

جنگ جهانی اول و ایران

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸/۱۲۹۳-۱۲۹۷) که با عنوان‌های جنگ بین‌الملل اول یا جنگ بزرگ نیز از آن یاد می‌شود، یکی از رویدادهای مهم تاریخ بشر به‌شمار می‌رود. این جنگ نقشی تعیین‌کننده در رخدادها و تحولات جهان در قرن بیستم میلادی داشت. شما در این درس با مطالعهٔ زمینه‌ها و علل این رویداد عظیم، تأثیرات و پیامدهای آن را در کشورهای مختلف جهان، به‌خصوص ایران، بررسی و تحلیل خواهید کرد.

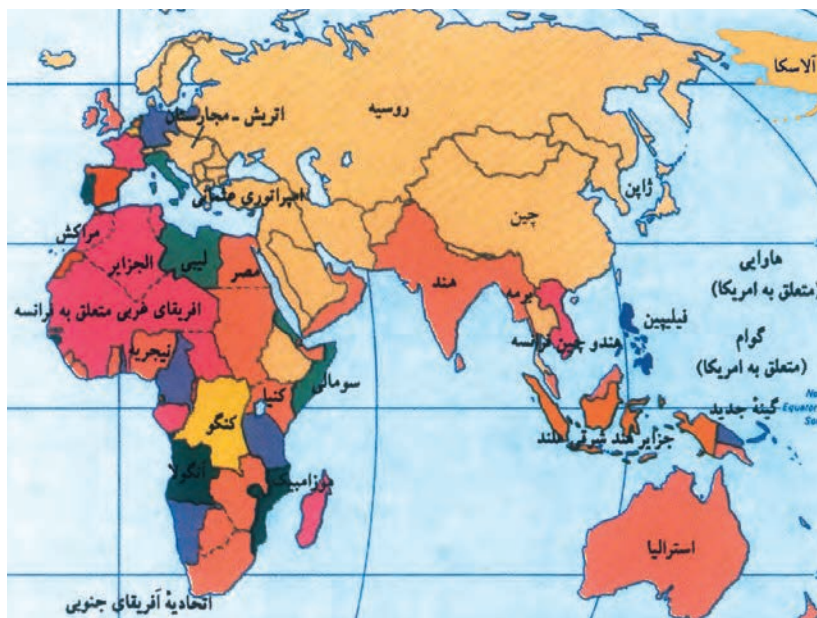
زمینه‌ها و علل جنگ جهانی اول

عمدهٔ تحولات تاریخ جهان، به‌ویژه اروپا، در قرن ۱۹م متأثر از تأثیرات و پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی بود. مهم‌ترین این تحولات عبارت‌اند از: تداوم و گسترش رقابت‌های استعماری، رشد اندیشهٔ ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و ظهور قدرت‌های جدید.

الف) تداوم و گسترش استعمار

با وقوع انقلاب صنعتی و ساخت سلاح‌های پیشرفته مانند تفنگ، توپ و کشتی‌های جنگی، توان سیاسی - نظامی دولت‌های اروپایی و سیاست‌های استعماری آنان به طرز چشمگیری توسعه یافت. قدرت‌های استعمارگر، به‌ویژه انگلستان و فرانسه، با گسترش مستعمرات خود در قاره‌های آسیا، آفریقا،

آمریکا و اقیانوسیه با یکدیگر به رقابت و ستیز برخاستند. روسیه و ایالات متحدهٔ آمریکا نیز در سدهٔ ۱۹م با قدرت یافتن دست به استعمار زدند.

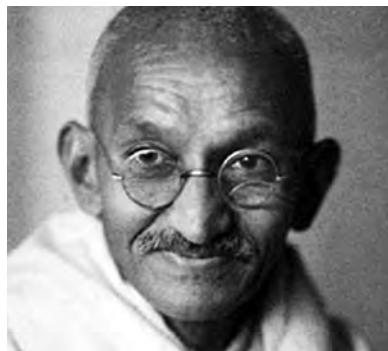


نقشهٔ مستعمرات دولت‌های اروپایی در مناطق مختلف جهان در ۱۹۱۴م

مقاومت در برابر استعمار؛ مردم بسیاری از مستعمره‌ها در قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰م در برابر ورود استعمارگران به سرزمینشان مقاومت کردند یا علیه سلطه آنان جنبش‌های اعتراضی به راه انداختند. قیام مهدیون در سودان به رهبری مهدی سودانی در مقابل انگلیس، مبارزات



سیمون بولیوار (۱۷۸۳-۱۸۳۰م)



مهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸م)

مردم الجزایر به فرماندهی امیر عبدالقادر بر ضد ارتش فرانسه، اتحاد مسلمانان و هندوها بر ضد استعمار انگلیسی در هند و جنبش استقلال طلبانه مردم آمریکای لاتین به رهبری سیمون بولیوار نمونه‌هایی از مبارزه مردم در سرزمین‌های مستعمره بود.

ب) رشد اندیشه ملی‌گرایی و ظهور قدرت‌های جدید

در سده ۱۹م، دو جریان فکری ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی در بسیاری از سرزمین‌ها و جوامع اروپایی پا گرفت و زمینه‌ساز شکل‌گیری کشورها و دولت‌های ملی جدیدی شد. تفکر ملی‌گرایی، مردمان و گروه‌های قومی را که تاریخ و فرهنگ و زبان مشترکی داشتند، برانگیخت تا با هم یکی شوند و زیر پرچم حکومتی یکپارچه و مستقل قرار گیرند. ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، لهستانی‌ها، صرب‌ها و مجارها از جمله این اقوام بودند که تحت تأثیر اندیشه ملی‌گرایی، برای تأسیس حکومت ملی به پا خاستند.



نگاره بیسمارک، صدراعظم آلمان (۱۸۱۵-۱۸۹۸م)

تشکیل اتحاد و اتفاق سه‌گانه؛ آلمان از یک سو با هدف مقابله با تهدیدهای خارجی به ویژه خطر حمله فرانسه و از سوی دیگر برای پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در اروپا و فراسوی دریاها، با برخی از کشورها پیمان اتحاد سیاسی و نظامی منعقد کرد. نخست با امپراتوری اتریش - مجارستان پیمان اتحاد بست و سپس، ایتالیا



نگاره مراسم تاج‌گذاری ویلهلم اول در کاخ ورسای پاریس پس از شکست فرانسه

را نیز وارد این پیمان کرد و اتحاد سه‌گانه (مثلث) را تشکیل داد (۱۸۸۲م). در مقابل، فرانسه برای خروج از انزوای سیاسی و پایان دادن به برتری جویی آلمان، نخست با روسیه و سپس با انگلستان پیمان‌های جداگانه‌ای منعقد کرد که آنها را دو به دو شریک و متحد سیاسی، نظامی و اقتصادی یکدیگر قرار می‌داد. مدتی بعد، انگلستان و روسیه نیز با بستن معاهده ۱۹۰۷م به اختلافات خود در ایران، افغانستان و تبت پایان دادند و اتفاق سه‌گانه (مثلث) را در برابر اتحاد سه‌گانه به وجود آوردند. این پیمان‌ها توازن قدرت جدیدی در اروپا به وجود آورد. با این حال، تشدید رقابت و دشمنی میان دو طرف سرانجام به جنگ جهانی اول انجامید. مهم‌ترین علل بروز این جنگ، اختلافات مرزی و دشمنی شدید آلمان و فرانسه، مسابقه تسلیحاتی، رقابت بر سر مستعمرات و اقدام برای توسعه نفوذ و دخالت در منطقه شبه جزیره بالکان بود.

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)

شروع جنگ

در پی قتل ولیعهد اتریش و همسرش به دست یک صرب ملی‌گرا در شهر سارایوو و مرکز بوسنی، اتریش به حکومت صربستان مستقل اعلان جنگ کرد. طولی نکشید که کشورهای عضو اتحاد مثلث با کشورهای مثلث وارد جنگ شدند (اوت ۱۹۱۴ / تابستان ۱۲۹۳ش). اندکی بعد، امپراتوری عثمانی و بلغارستان به صف متحدین و ژاپن، یونان، پرتغال، رومانی و برخی کشورهای دیگر به جبهه متفقین پیوستند و دامنه جنگ به سرعت از اروپا به آسیا و آفریقا کشیده شد. ایتالیا نیز در میانه جنگ از متحدین جدا شد و به متفقین پیوست.



ناوگان جنگی آلمان در جنگ جهانی اول



رژهٔ تانک‌ها در خیابان‌های لندن پس از جنگ جهانی اول

انقلاب روسیه

اوضاع و شرایط نابسامان دوران جنگ جهانی اول بر نارضایتی و خشم مردم روسیه از حکومت خودکامه تزارها افزود. در نتیجه، عده‌ای از مخالفان به کمک واحدهایی از ارتش در پتروگراد (پایتخت) دست به شورش زدند و با تشکیل دولت موقت، نیکولای دوم، آخرین تزار روس را برکنار کردند. در این میان، گروهی از انقلابیون سوسیالیست روسی معروف به بلشویک‌ها که در تبعید به سر می‌بردند، با حمایت آلمانی‌ها به روسیه بازگشتند. رهبر آنها، لنین^۲ پیرو کارل مارکس^۳، فیلسوف معروف آلمانی بود و با نظام سرمایه‌داری مخالفت می‌کرد. او با طرح سه شعار اساسی: «صلح، زمین، نان»، «تسلط کارگران بر تولید» و «همه قدرت از آن‌ها» پشتیبانی سربازان، کشاورزان و کارگران را جلب کرد.^۴ انقلابیون بلشویک سرانجام، با تسخیر موقت در پتروگراد، قدرت را به دست گرفتند (نوامبر ۱۹۱۷). از آن پس، نام روسیه به اتحاد جماهیر شوروی تغییر یافت.

پایان جنگ

آمریکا تا سال ۱۹۱۷م مستقیماً وارد جنگ نشد. با اعلان جنگ توسط کنگره آمریکا، تمام نیرو، امکانات و سرمایه آمریکایی برای غلبه بر آلمان و نیروهای محور (متحدین) به کار گرفته شد. پس از چهار سال و اندی (۱۹۱۸م / ۱۲۹۷ش) میلیون‌ها کشته، مفقود و آواره در معرض فقر، بیکاری، افسردگی، بیماری و ناامیدی مفرط قرار گرفتند. غنائم جنگ میان فاتحان تقسیم شد و تمدن غرب مدرن، به آشکارترین شکل، باطن خود را نمایش داد. جنگ جهانی اول از همان آغاز، پایان بود، پایانی برای غرب و بلندپروازی‌های انسان مدرن.

۱. سوسیالیست به پیروان مکتب سوسیالیسم گفته می‌شود که نوعی اعتقاد به عدالت اجتماعی و ضرورت نظارت و کنترل جامعه در امر اقتصاد و مالکیت است. با ظهور مارکسیسم و تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس، تحول مهمی در نظریات سوسیالیستی به وجود آمد و طرفداران سوسیالیسم به دو گروه سوسیال دموکرات و کمونیست تقسیم شدند (رشد، شبکه ملی مدارس - <http://Roshd.ir>، مدخل سوسیالیست).

۲. Lenin

۳. Karl Marx

۴. فولگل، تمدن مغرب زمین، ج ۲، ص ۱۱۷۳

آثار و پیامدهای جنگ

توسط نیروهای متفقین اشغال شد. این درحالی بود که به دنبال انقلاب در روسیه، این کشور از جبهه جنگ خارج شده بود و فرصت مناسبی برای انگلستان و فرانسه برای تقسیم سرزمین عثمانی میان یکدیگر فراهم شد. این دو کشور قبل از پایان جنگ قراردادی بین خود به امضای رساندند که به موجب آن با پایان جنگ، امپراتوری عثمانی فروپاشید و کشورهای کنونی ترکیه، عراق، سوریه، اردن، فلسطین، لبنان و عربستان شکل گرفتند. انگلستان سرپرستی عراق، اردن و فلسطین را برعهده گرفت و لبنان و سوریه تحت سرپرستی فرانسه درآمدند. در مذاکرات ورسای، انگلستان و فرانسه این قرارداد پنهانی را علنی نمودند و در توافقات نهایی گنجانده شدند.

بنابراین، با جنگ جهانی اول تغییرات شگرفی در دنیا ایجاد شد. دولت‌های بزرگی چون روسیه تزاری و امپراتوری هابسبورگ و عثمانی فروپاشید و به جای آنان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری اتریش و جمهوری‌های متعدد اروپای شرقی و ترکیه و دولت‌های نوین عربی در غرب آسیا (خاورمیانه) پدید آمدند و هندسه سیاسی بخش‌های بزرگی از دنیا تغییر کرده و صورت تازه‌ای گرفت.

پیمان صلح ورسای؛ پس از خاتمه جنگ، نمایندگان کشورهای مختلف، از جمله دولت‌های پیروز و شکست خورده در جنگ، با هدف عقد قرارداد صلح در کاخ ورسای پاریس گرد هم آمدند. پس از ماه‌ها مذاکره، پیمان نهایی صلح، که شامل چندین قرارداد جداگانه بود، با کشورهای مغلوب به امضا رسید. در این میان، پیمانی که با آلمان بسته شد، اهمیت بیشتری داشت. براساس این پیمان، مستعمرات آلمان میان متفقین تقسیم شد و بخش‌هایی از خاک این کشور به فرانسه و لهستان واگذار گردید. به علاوه، آلمانی‌ها ملزم به پرداخت غرامت به دولت‌های متفق و محدود نگه داشتن توان نظامی خود شدند.

فروپاشی عثمانی و تغییر نقشه سیاسی در غرب آسیا (خاورمیانه)

با شروع جنگ جهانی اول، دولت عثمانی به متحدین پیوست و هرچند در ابتدا توانست موفقیت‌هایی به دست آورد ولی در نهایت

بررسی و مقایسه نقشه‌های تاریخی

با مقایسه نقشه سیاسی اروپا و خاورمیانه پیش از قرارداد ورسای و پس از آن، چند مورد از تغییرات مرزهای سیاسی را فهرست کنید.

تشکیل جامعه ملل؛ «جامعه ملل» شکل اولیه «سازمان ملل» است. پس از جنگ جهانی اول با طراحی فاتحان جنگ، تشکلی با عضویت چهل کشور در ژنو سوئیس تأسیس شد تا سلطه قدرت‌های مستکبر بر دنیا که آن را «صلح و امنیت جهانی» می‌نامیدند، در معرض تهدید قرار نگیرد و رقبای بالقوه و بالفعل آنها توان و مجال قدرت یافتن نداشته باشند. با این حال، تشکیل جامعه ملل نتوانست جلوی درگیری و زیاده‌خواهی قدرت‌های مستکبر را بگیرد و مانع جنگ جهانی دوم شود.

تلفات و خسارت‌های انسانی و اقتصادی؛ جنگ جهانی اول تلفات و مصائب جانی، جسمی و روحی فراوانی به بار آورد و باعث ویرانی منابع و مراکز اقتصادی، تولیدی و مالی اروپا و دیگر مناطق جهان شد. بر اساس آمار رسمی، بیش از ۹ میلیون نظامی در این جنگ کشته و ده‌ها میلیون نظامی مجروح، اسیر و مفقود شدند. به علاوه، میلیون‌ها غیرنظامی در سرتاسر جهان، بر اثر عملیات جنگی یا اتفاقات ناشی از جنگ مانند کمبود مواد غذایی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر کشته، مجروح، بیمار و یا آواره شدند.

ایران در جنگ جهانی اول

هم‌زمان با آغاز جنگ بین‌الملل اول، ایران وضعی آشفته داشت و حکومت مشروطه به دلیل اختلاف‌های سیاسی داخلی، ضعف تشکیلات اداری و نظامی، مشکلات اقتصادی و دخالت‌های فزاینده خارجی، قادر به سروسامان دادن به امور و برقراری نظم و امنیت نبود.

اشغال نظامی ایران

دولت ایران پس از شروع جنگ جهانی اول، اعلام بی‌طرفی کرد اما کشورهای درگیر در جنگ، به خصوص انگلستان و روسیه، به بهانه‌های مختلفی آن را نقض کردند. در اوایل جنگ، مأموران و جاسوسان آلمانی^۱ در مناطق مختلف ایران به اقداماتی بر ضد دولت‌های اتفاق مثلث دست زدند. انگلستان و روسیه نیز همین موضوع را بهانه لشکرکشی به ایران قرار دادند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

- ۱ به نظر شما، علت گرایش افکار عمومی ایرانیان به آلمان و دولت‌های متحد آن در جنگ جهانی اول چه بود؟
- ۲ فیلم بیتیم خانه ایران را که به برخی از حوادث اشغال ایران در جنگ جهانی اول و پیامدهای آن پرداخته است، دیده و درباره آن گفت‌وگو کنید.

انگلستان گروهی از افسران انگلیسی و مزدوران هندی را به ایران فرستاد و در بخش‌های جنوبی میهن ما، نیروی پلیس جنوب را تشکیل داد. نظامیان روسی نیز بخش وسیعی از نیمه شمالی کشورمان را، که بر اساس معاهده ۱۹۰۷ منطقه تحت نفوذ روسیه شناخته می‌شد، اشغال کردند. این دو دولت اشغالگر سپس در قرارداد ۱۹۱۵ ایران را به دو قسمت تقسیم کردند؛ نیمه شمالی متعلق به روسیه و نیمه جنوبی سهم انگلستان شد. با شروع جنگ بزرگ، ارتش عثمانی نیز مناطقی از غرب کشور ما را اشغال کرد و با نیروهای متفقین درگیر شد.

مقاومت ایرانیان در برابر اشغالگران



ناصر دیوان کازرونی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ش)

اگر چه حکومت قاجار اراده محکم و توان کافی برای رویارویی با نیروهای اشغالگر را نداشت، اما مردم و به خصوص عشایر در قسمت‌های مختلف ایران مانند فارس، بوشهر و خوزستان، تحت تأثیر فتوای مراجع تقلید در برابر متجاوزان ایستادند و از استقلال وطن خویش تا سرحد جان دفاع کردند. دلاورمردان تنگستانی، دشتستانی و دشتی به فرماندهی رئیسعلی دلواری و مردم کازرون به رهبری ناصر دیوان کازرونی با شجاعت و شهامت با نیروهای انگلیسی نبرد کردند و ضربه‌های سنگینی به آنان وارد آوردند. عشایر عرب خوزستان نیز در «نبرد جهاد» غیورانه با قوای بیگانه جنگیدند.

آثار و نتایج جنگ

جنگ جهانی اول برای کشور ایران، که دولت و مردمش هیچ نقش و دخالتی در شروع و ادامه آن نداشتند، فاجعه آمیز و ویران کننده بود. این جنگ موجب قحطی بزرگی شد که در نتیجه آن عده بسیار زیادی از هم‌وطنان ما به سبب گرسنگی، سوء تغذیه و بیماری‌های ناشی از آن

۱. واسموس (Wassmuss) و نیدر مایر (Niedermayer) از معروف‌ترین این افراد می‌باشند.

به طرز دلخراشی جان دادند. به دلیل ضعف آمار و آمارگیری، نمی‌توان میزان تلفات انسانی کشور مادر جنگ جهانی اول را به شکل دقیق برآورد کرد، اما گزارش برخی از نویسندگان حکایت از آن دارد که جمعیت ایران پس از خاتمه جنگ نسبت به ابتدای آن به شکل فجیع و دردناکی کاهش یافته بود. یکی از اصلی‌ترین مقدمات بروز این قحطی فراگیر، سیاست‌ها و اقدامات انگلستان در ایران بود. گزارش‌های مقامات انگلیسی مستقر در ایران اشاره می‌کند که خرید، جمع‌آوری و دپوی گسترده غله ایران برای تأمین نیروهای متفقین در جریان جنگ، از عوامل اصلی کمبود آن در ایران است. اگر ارزاق ایران، بین‌النهرین و هند به خطوط جنگ نمی‌رسید، چه بسا معادله پیروزی و شکست در جنگ جهانی اول دگرگون می‌شد.

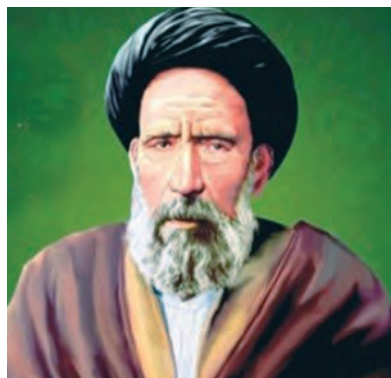
جنگ جهانی اول و اشغال ایران، علاوه بر ویرانی اقتصادی و تلفات گسترده انسانی، موجب تزلزل و بی‌ثباتی دولت مرکزی، تعطیلی مجلس شورای ملی و تضعیف بیشتر نظام مشروطه شد.

قرارداد ۱۹۱۹



حسن و ثوق الدوله (۱۲۵۴-۱۳۲۹ ش)

به دنبال پیروزی انقلاب روسیه (نوامبر ۱۹۱۷ م/ پاییز ۱۲۹۶)، دولت بلشویکی این کشور نیروهایش را از ایران فراخواند. انگلستان با تقویت واحدهای نظامی خود، علاوه بر نواحی جنوبی، مناطقی از نیمه شمالی ایران را نیز اشغال کرد. در آن زمان، حکومت ایران در نهایت ضعف و انحطاط سیاسی و اقتصادی بود و دولت مرکزی توان اعمال حاکمیت در بسیاری از مناطق کشور را نداشت. در چنین شرایطی و در حالی که روس‌ها سرگرم جنگ داخلی بودند، انگلیسی‌ها فرصت را برای تحکیم نفوذ و سلطه پایدار خود و تأمین منافع درازمدتشان در ایران معتمن شمردند و قرارداد ۱۹۱۹ را با دولت و ثوق الدوله (۱۲۹۷-۱۲۹۹ ش) منعقد کردند. به موجب قرارداد ۱۹۱۹، اداره امور دارایی و برخی دیگر از ادارات و وزارتخانه‌های ایران در اختیار انگلستان قرار می‌گرفت؛ مسئولیت تجدید سازمان و ایجاد ارتش یکپارچه ایران و تأمین اسلحه و تدارکات آن نیز به افسران انگلیسی داده می‌شد. در عوض، انگلستان متعهد می‌شد که وامی در اختیار دولت ایران قرار دهد تا تحت نظارت کارشناسان انگلیسی هزینه شود. برخی مفاد این قرارداد پیش از آنکه به تصویب مجلس شورای ملی برسد، به اجرا گذاشته شد.



شهید آیت‌الله سید حسن مدرس (۱۲۴۹-۱۳۱۶ ش)

قرارداد ۱۹۱۹ با مخالفت گسترده و شدید شخصیت‌های ملی، سیاسی و مذهبی، گروه‌ها و احزاب گوناگون در سرتاسر کشور روبه‌رو شد. آیت‌الله سید حسن مدرس یکی از جدی‌ترین این مخالفان بود. اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ و مخالفت با آن ادامه یافت و یکی از علل مهم سقوط دولت و ثوق الدوله بود.

بحث و گفت‌وگو

پس از همفکری و مرور آموخته‌های قبلی، درباره شیوه یا شیوه‌های معمول به قدرت رسیدن خاندان‌ها و سلسله‌ها در تاریخ ایران بحث و گفت‌وگو کنید.

انگلستان و تغییر سلطنت در ایران

در اوایل قرن بیستم سیاستمداران انگلیسی برنامه تغییر سلطنت در ایران را پیگیری می کردند. دلایلی که آنها برای انجام این کار داشتند را می توان در این موارد خلاصه کرد:

۱ انگلیسی ها از انتشار اندیشه های انقلابی کمونیست های روسیه در ایران و به خطر افتادن منافعشان بیم داشتند.

۲ بعد از اکتشاف نفت و بی بردن به اهمیت آن در مبادلات جهانی، انگلستان سرمایه گذاری و طمع ورزی وسیعی در بخش های جنوبی کشورمان انجام داده بود.

۳ ایران در مسیر ارتباطی هندوستان و اروپا قرار داشت و انگلستان می توانست با هزینه کمتری بین این دو منطقه کالا جابه جا کند.

۴ بعد از انقلاب صنعتی، کشورهای اروپایی به تولید انبوه کالا دست زدند و ایران همواره یکی از بازارهای مورد توجه انگلستان بود. بارشده صنایع محصولات جدیدتری عرضه می شد که برای استفاده از آنها احتیاج به زیرساخت های مناسب بود.^۱

۵ قیام های مستقل مردمی (مانند قیام میرزا کوچک خان و قیام شیخ محمد خیابانی) و ترس از پیروز شدن انقلابیون از نگرانی های نیروهای انگلیسی در ایران بود.

۶ هزینه هایی که انگلستان برای حضور نیروهایش در ایران و نقاط دیگر جهان متحمل می شد بسیار بالا بود و ترجیح می داد از نظامیان دست نشاندۀ با هزینه کمتر استفاده کند.

۷ انگلستان برای تغییرات مورد نظرش نمی توانست روی حکومت قاجار حساب کند، چون بی کفایتی و فساد آنها به حدی باعث نفرت مردم از آنها شده بود که هیچ گونه همراهی با این سلسله نمی کردند.

۸ بی نتیجه ماندن قرارداد ۱۹۱۹ این نکته را به انگلیسی ها یادآور شد که آگاهی مردم به خصوص بعد از ماجرای مشروطه بالا رفته و نمی تواند مانند هندوستان، ایران را به خاک بریتانیا اضافه کند. در نتیجه مأموران انگلستان در ایران تصمیم گرفتند تا شخص مورد اعتماد خود را به حکومت رسانند تا از طریق او بتوانند به صورت غیر مستقیم اهداف خود را در ایران پیاده کنند.

کودتای سیاه^۲

دولت انگلستان برای دستیابی به اهداف خود، درصدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامه کودتا طرح ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد. آبرون ساید^۳، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست و جودر میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سیدضیاءالدین طباطبایی^۴ که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را که فردی بی سواد و البته مستبد بود برای این منظور، مناسب تشخیص داد. آبرون ساید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی که سیدضیاءالدین درباره او جمع آوری کرده بود، توانست وی را با اهداف خود هماهنگ کند. آبرون ساید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است.

با آماده شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی آنکه با مقاومت جدی روبه رو شوند، نقاط حساس پایتخت را تسخیر کردند. در پی این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی ها به ناچار سیدضیاءالدین طباطبایی را به نخست وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز به عنوان فرمانده ارتش، لقب «سردار سپه» گرفت. به فاصله کوتاهی، سیدضیاء استعفا کرد و به اروپا رفت؛ اما رضاخان (مهرة نظامی کودتا) در مقام وزیر جنگ روزبه روز بر قدرت و نفوذ خود افزود.



احمدشاه قاجار به همراه رضاخان و رجال درباری

۱. مثلاً شرکت واگن سازی نمی تواند بدون وجود ریل راه آهن در ایران به فروش محصولانش دست بزند.

۲. مطالبی که از آغاز مبحث کودتای سیاه تا ابتدای مبحث جهان در فاصله دو جنگ بزرگ در این درس درج شده، از کتاب تاریخ ایران و جهان ۲ نوشته دکتر غلامعلی حداد عادل اخذ شده است.

۳. Ironside

۴. مدیر روزنامه رعد و مدافع قرارداد ۱۹۱۹

میرزا کوچک خان و نهضت جنگل



نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل‌های گیلان آغاز شد و سپس، روستاها و شهرهای این استان را دربرگرفت و هفت سال ادامه یافت.^۱ رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، طلبه آزادمش و انقلابی و فردی مؤدب، متواضع، خوش‌برخورد و پایمند به اجرای دستورات دینی بود. میرزا در آستانه انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست

به حرکت‌های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه‌خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی‌شاه، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه‌خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع ناامنی و بی‌عدالتی و برقراری امنیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد. قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت‌های بی‌کفایتی که در تهران بر سر کار می‌آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حمله نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد، اما نام میرزا و مقاومت‌های مردانه‌اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران زنده و جاوید ماند و الگویی برای مبارزان بعدی شد.

رضاخان از نخست‌وزیری تا پادشاهی

رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش، با دسیسه‌چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را تثبیت کرد. سرانجام، شاه قاجار و مجلس به ناچار به نخست‌وزیری او رضایت دادند. احمدشاه بلافاصله به سفر اروپا رفت^۲ و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی - یعنی رسیدن به سلطنت - آماده کرد. رضاخان در غیاب شاه، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می‌کرد و در عین حال، می‌کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنا نشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم‌پوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد. پس از سرکوبی شورش خزعل و بعضی شورش‌های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدبینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز بیشتر شد.

بحث و گفت‌وگو

با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموختید، درباره تأثیر شرایط اجتماعی بر به قدرت رسیدن رضاخان گفت‌وگو کنید.

۱. از خرداد ۱۲۹۳ تا مهر ۱۳۰۰

۲. انگلیسی‌ها و رضاخان چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بسیار آشفته است؛ بنابراین، به شاه پیشنهاد می‌کردند که مدتی به خارج از کشور برود و پس از برقراری امنیت، بازگردد. از سوی دیگر، آنها خروج شاه را نشانه بی‌علاقگی او به کشور اعلام می‌کردند.

به سلطنت رسیدن رضاخان

پس از آنکه عمال انگلیس اذهان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش، ماده واحده‌ای به صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. در این ماده واحده، پیش‌بینی شده بود که پس از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس - از جمله آیت‌الله مدرس و دکتر مصدق - سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند.^۱ بدین ترتیب سرنوشت نهضت مشروطه، سلطنت مطلقه مستبدتر از استبداد شاهان قاجاری شد و شاید متفکران فقیهی چون آیت‌الله سید کاظم یزدی و شیخ فضل‌الله نوری چنین سرنوشتی را در خشت خام مشروطه می‌دیدند.

با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولت‌های بزرگ خارجی به عمل آمد، انتخابات مجلس فرمایشی مؤسسان برگزار شد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت‌وگو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاه

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که هم‌زمان با آن، دوره نوینی از غارت کشور ما به دست بیگانگان آغاز می‌شود که به «استعمار نو» شهرت دارد. در استعمار نو، ارتش و تجهیزات نظامی دشمن دیده نمی‌شود بلکه مسئولانی که زمام امر را در دست دارند وابسته به قدرت‌های مستکبر بوده و اقتصاد و فرهنگ جامعه را به گونه‌ای معماری می‌کنند که منافع و خواست استعمارگران را تأمین کند.

رضاشاه پس از رسیدن به سلطنت، در زمینه‌های داخلی و خارجی به اقداماتی دست زد. این اقدامات عبارت بودند از:

۱ بازگشت به حکومت استبدادی

وی از همان ابتدای کار، به حذف شخصیت‌های آزادی‌خواه، مستقل و مخالف با نفوذ بیگانگان اقدام کرد و شیوه حکومت استبدادی و رأی فردی را پیش گرفت. او به مجلس قانون‌گذاری و قانون‌اهمیت نمی‌داد.

۲ ایجاد ارتش منظم

به وجود آوردن ارتش منظم در ایران از جمله برنامه‌های اساسی انگلیسی‌ها بود. این ارتش ضمن اینکه تمرکز قدرت سیاسی را در کشور ممکن می‌ساخت، قیام‌های مردمی را سرکوب می‌کرد و در مواقع ضروری، به عنوان تأمین‌کننده اهداف نظامی انگلستان مورد استفاده قرار می‌گرفت. رضاشاه نیروهای سه‌گانه ارتش را با هدایت انگلیسی‌ها به وجود آورد. به نو کردن ارتش پرداخت و در سال ۱۳۰۴ ش، قانون نظام وظیفه عمومی را به تصویب رساند.

۳ احداث خط آهن سراسری

از جمله اقدامات رضاشاه، احداث راه‌آهنی بود که بندر ترکمن را به بندر شاهپور^۲ متصل می‌کرد. احداث این راه با تبلیغات فراوان انجام گرفت و در واقع، هدف آن ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال بود. در صورت پیشروی

۱. دو تن دیگر عبارت بودند از: یحیی دولت‌آبادی و سیدحسین تقی‌زاده

۲. بندر امام خمینی فعلی

روس‌ها، انگلیسی‌ها با استفاده از این راه می‌توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند. در جنگ جهانی دوم همین راه به مهم‌ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.



رضاشاه و آتاتورک

۴ یک شکل کردن لباس‌ها و کشف حجاب

رضاشاه به نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه‌پرستی، به یک شکل کردن لباس‌ها و نیز برداشتن حجاب بانوان اقدام کرد. حکومت پهلوی و روشنفکران غرب‌گرا گمان می‌کردند که راه ترقی و پیشرفت با نابودنی دین و سنن اصیل ایرانی هموار می‌شود؛ اما مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن جمله باید از قیام مردم مسلمان مشهد در مسجد گوهرشاد نام برد که در جریان آن، عده‌ی زیادی کشته و مجروح شدند.

رضاشاه که تصور می‌کرد مهم‌ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است، پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس‌جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت‌های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأموران مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس‌های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه‌های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیداً ممنوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا غدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد. سرکوب خشن رضاخان و برخورد اهانت‌آمیز او با ایمان و احساس عمیق دینی مردم ایران، پایه‌های سلطنتش را بیش از پیش سست کرد.

شهادت مدرس

مدرس، روحانی مبارز و خستگی‌ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست‌وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به‌شمار می‌رفت. وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامه حکومت رضاشاه به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می‌دانست که نمی‌تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس‌العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این رو، درصدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آنکه قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این روحانی والامقام هجوم بردند و او را به خوف تبعید کردند.^۱ مدرس سال‌ها در خوف زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خوف به کاشمر بردند و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همان‌جا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ جنبش‌های ملی‌گرایی در اروپای مرکزی چه تأثیری بر وقوع جنگ جهانی داشت؟
- ۲ تحلیل و قضاوت شما درباره مهم‌ترین علت وقوع جنگ جهانی اول چیست؟
- ۳ با استفاده از قوه تخیل خود، حوادثی را که بر سر مردم آن زمان گذشته است در چند سطر بنویسید.
- ۴ مفاد قرارداد ۱۹۱۹ چه بود و چرا با مخالفت گسترده شخصیت‌های ملی و مذهبی مواجه شد؟
- ۵ اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.

۱. شهربانی خوف ماهانه مبلغ ۱۵۰ ریال برای ایشان تعیین کرده بود؛ چند سال بعد، مدرس از همان پول در گوشه‌ای از شهر خوف آب‌انباری ساخت.



جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن

حدود ۲۱ سال پس از پایان جنگ جهانی اول، بار دیگر جهان گرفتار جنگی شد که مرگ‌بارترین و ویرانگرترین حادثه تاریخ بشر شناخته می‌شود. شما در این درس زمینه‌ها، عوامل، آثار و پیامدهای مختلف این جنگ و مهم‌ترین تحولات سیاسی جهان پس از آن را بررسی و تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

فعالیت ۱

با راهنمایی دبیر درباره این موضوع گفت‌وگو کنید که چرا تجربه تلخ جنگ جهانی اول، مانع بروز جنگ جهانی دوم نشد. پیشنهادهای شما برای گسترش و استحکام صلح و دوستی جهانی و جلوگیری از جنگ و ویرانی چیست؟

جهان در فاصله دو جنگ بزرگ

در فاصله میان دو جنگ، جهان و به‌ویژه کشورهای اروپایی گرفتار مسائل و مشکلات بزرگی شدند که زمینه را برای جنگ جهانی دوم فراهم آورد. مهم‌ترین این مسائل و مشکلات، صلح ناپایدار و ناخشنودی از قراردادهای صلح ورسای، ضعف جامعه ملل، بحران اقتصادی و ظهور حکومت‌های خودکامه تک‌حزبی و نظامی‌گرا بود.

صلح ناپایدار

پس از پایان جنگ جهانی اول و امضای پیمان صلح ورسای، چنین به نظر می‌رسید که اروپا و سایر نقاط دنیا در حال ورود به عصر ثبات، صلح، دوستی و آرامش بین‌المللی هستند، اما تاریخ به گونه دیگری رقم خورد. پیمان‌های مذکور خیلی از دولت‌ها را راضی نکرد. آلمانی‌ها که پیمان صلح ورسای را تحقیرآمیز و ناعادلانه می‌دانستند، از همان ابتدا درصدد تغییر یا لغو آن برآمدند.

ضعف جامعه ملل

جامعه ملل که برای کمک به حل و فصل اختلافات کشورها و جلوگیری از دشمنی و جنگ میان دولت‌ها به وجود آمده بود، فاقد قدرت کافی برای تحقق این هدف بود و تصمیماتش ضمانت اجرایی لازم را نداشت. حضور نداشتن برخی از کشورها در این نهاد بین‌المللی نقش مهمی در ناکامی آن داشت. آمریکا که خود پیشنهاد تأسیس جامعه ملل را داده بود، به عضویت آن درنیامد. شوروی نیز عضو این نهاد جهانی نشد. آلمان و ژاپن هم که عضویت داشتند، با خروج از آن موجب بی‌اعتباری بیشتر جامعه ملل شدند. به همین سبب بود که جامعه ملل در فاصله میان دو جنگ در مقابل تهاجم نظامی برخی دولت‌ها به کشورهای دیگر، اقدام بازدارنده و مؤثری نتوانست انجام دهد.

بحران اقتصادی



در سال ۱۹۲۳، ارزش مارک آلمان به اندازه‌ای سقوط کرد که از اسکناس به جای سوخت، به عنوان کاغذ دیواری و برای پر کردن تشک استفاده می‌شد.

یکی از مسائل مهم جهان و به خصوص اروپا در دوران پس از جنگ جهانی اول، بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ و ایجاد رونق و رفاه اقتصادی بود. برخی از کشورها، مانند انگلستان، به اتکای منابع خود و ثروت مستعمراتشان تا حدودی از عهده این کار برآمدند؛ اما بسیاری دیگر با مشکلات شدیدی مانند رکود و تورم روبه‌رو شدند. آلمان از جمله کشورهایی بود که در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول شرایط اقتصادی وخیمی داشت؛ زیرا علاوه بر خرابی‌های حاصل از جنگ، مستعمراتش را از دست داده و محکوم به پرداخت غرامت‌های سنگین شده بود.

ایالات متحده که اقتصادش در جنگ کمتر آسیب دیده بود، اقدام به اعطای وام به دیگر کشورها، از جمله آلمان، کرد اما ناگهان خود گرفتار بحران و رکود اقتصادی عظیمی شد (۱۹۲۹-۱۹۳۲م) که در پی آن، اقتصاد جهان نیز به هم ریخت و مشکلات فراوانی به وجود آمد. مسائل و مشکلات اقتصادی تأثیر بسزایی در روی کار آمدن حکومت‌های دیکتاتوری، به خصوص در اروپا داشت.

ظهور حکومت‌های خودکامه تک‌حزبی و نظامی

پس از پایان جنگ جهانی اول، امید به استقرار نظام‌های آزاد و دموکرات در اروپا و سایر نقاط جهان چندان دوام نیاورد و به سرعت رژیم‌های دیکتاتوری یکی پس از دیگری سر برآوردند.

۱ شوروی استالینی

پس از مرگ لنین (۱۹۲۴م)، ژوزف استالین^۱، دبیرکل حزب کمونیست، رقیب قدرتمند خود (تروتسکی^۲) را از سر راه برداشت و قدرت را در شوروی به دست گرفت. او عده زیادی از بلشویک‌های قدیمی، اندیشمندان، افسران ارتش، اعضای حزب کمونیست، دیپلمات‌ها و مردم عادی را که در برابرش مقاومت و مخالفت می‌کردند، به مرگ محکوم کرد و یا به اردوگاه‌های کار اجباری در سیبری فرستاد. حکومت استالین با اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی، تغییر و تحول چشمگیری در شوروی ایجاد کرد. یکی از این برنامه‌ها، طرح اشتراکی کردن مزارع کشاورزی بود که با اعمال قدرت و خشونت بسیار آغاز شد. علاوه بر این، برنامه‌ای را با هدف صنعتی کردن سریع کشور به اجرا درآورد. اساس برنامه صنعتی استالین، بر تولید کالاهای سرمایه‌ای و سلاح‌های جنگی استوار بود. با اجرای این برنامه، تولید ماشین‌آلات صنعتی، نفت، برق، فولاد و زغال سنگ به طرز فوق‌العاده‌ای افزایش یافت. حکومت استالین در عرصه خارجی به دنبال گسترش مرزها و تسلط بر برخی کشورها و سرزمین‌های اروپای شرقی بود. با وجود بی‌اعتمادی و دشمنی‌ای که میان شوروی و آلمان وجود داشت، دو کشور با یکدیگر پیمان عدم تجاوز امضا کردند (۱۹۳۹م).

۱. Joseph Stalin

۲. لئون تروتسکی (Leon Trotsky) از بلشویک‌های قدیمی بود و نقش مؤثری در انقلاب ۱۹۱۷م و سپس تأسیس ارتش سرخ ایفا کرد. او هنگام مرگ لنین، عهده‌دار سمت کمیساری جنگ (وزارت جنگ) بود.

۲ به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در ایتالیا

کشور ایتالیا در سال‌های پس از جنگ جهانی اول با مشکلات مختلفی چون تورم، بیکاری، اعتصاب و ناآرامی‌های کارگری روبه‌رو بود. چون حکومت پادشاهی مشروطه ایتالیا نمی‌توانست مشکلات را حل و فصل کند، روزنامه‌نگار و سیاستمداری به نام بنیتو موسولینی^۱، که رهبر حزب کوچکی موسوم به «فاشیست^۲» بود، از فرصت استفاده کرد و قدرت را در آن کشور به دست گرفت. موسولینی پس از پیروزی در انتخابات مجلس که در فضایی آکنده از زور، ارعاب و تقلب برگزار شد، در مدت کوتاهی با از بین بردن احزاب رقیب، قدرت را یکپارچه کرد و خود را دوچه^۳، به معنای رهبر، نامید. او نیز همچون سایر دیکتاتورها به کمک وسایل ارتباط جمعی و شگردهای تبلیغاتی گوناگون، مردم را تحت نظارت و مراقبت کامل حکومت درآورده بود و با استفاده از یک سازمان امنیتی و پلیسی، معترضان و مخالفان را سرکوب می‌کرد.

بحث و گفت‌وگو



موسولینی هنگام سخنرانی در میان هواداران پرشور خود - ونیز ۱۹۳۳ م

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تبلیغات فاشیستی طرح شعارهایی چون «موسولینی همواره درست می‌گوید» به صورت پوستر و چسباندن آن بر در و دیوار در سرتاسر ایتالیا بود (فوگل، تمدن مغرب زمین، ج ۲، ص ۱۲۰۵). درباره نسبت این شعار با مرام و مسلک فاشیستی با یکدیگر مباحثه کنید.

موسولینی تا حدود زیادی به وعده‌های خویش درباره کاهش بیکاری و تورم و پایان دادن به اعتصاب‌ها عمل کرد. از این رو، تا زمانی که ایتالیا درگیر جنگ جهانی دوم نشده بود، بسیاری از مردم این کشور شیفته وی بودند و از اینکه با رهبری او کشورشان در ردیف قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است، به خود می‌بالیدند. در بُعد روابط خارجی، موسولینی سودای احیای دوباره امپراتوری روم باستان و تسلط بر دریای مدیترانه و شمال آفریقا را در سر می‌پروراند. تجاوز نظامی این کشور به اتیوپی (۱۹۳۵ م) در آفریقا با تکیه بر همین تفکر صورت گرفت.

۳ ظهور هیتلر در آلمان

پس از خاتمه جنگ بین‌الملل اول، حکومت جمهوری در آلمان شکل گرفت. بسیاری از آلمانی‌ها از این حکومت به سبب امضای پیمان تحقیرآمیز ورسای و گسترش رکود و بیکاری ناخشنود بودند. در چنین شرایطی، هیتلر (۱۸۸۹-۱۹۴۵ م) که رهبر حزب نازی^۴ بود، با شور و حرارت بسیار مشکلات آلمان را به همراه راه‌حل‌های آن توضیح می‌داد و بر لغو پیمان ورسای و تجدید غرور و اقتدار ملی تأکید می‌کرد. نازی‌ها همچون فاشیست‌ها، ملی‌گرایانی افراطی و نژادپرست بودند و یکی از شعارهای آنان که تأثیر زیادی بر آلمانی‌ها گذاشت، شعار «آلمان، بیدار شو» بود.

۱. بنیتو موسولینی (Benito Mussolini) (۱۸۸۳-۱۹۴۵ م) که قبلاً سوسیالیست بود، در جریان جنگ جهانی اول به ملی‌گرایی افراطی تغییر عقیده داد و پس از جنگ جهانی اول حزب فاشیست را بنیان نهاد.

۲. واژه فاشیست برگرفته از واژه لاتینی فاشیس (Fasces) به معنای تیرپوش است. تیرپوش به دسته‌ای چوب نواربیچ شده به تبر فلزی می‌گفتند که در روم باستان نشان اختیار و قدرت بود.

۳. Duce

۴. حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان



رژه نازی‌ها - ۱۹۳۵ م

پس از موفقیت نازی‌ها در انتخابات مجلس، هیتلر با حمایت صاحبان صنایع، اشراف زمین‌دار، افسران ارتش و برخی کانون‌های سرّی، صدراعظم آلمان شد (۱۹۳۳ م). او سپس با قبضه کامل قدرت، نظام دیکتاتوری تک‌حزبی را در کشور برقرار کرد و خود را پیشوا خواند. در این زمان، تمام حزب‌های سیاسی به جز حزب نازی منحل و نیروی پلیس و سازمان‌های دولتی از افراد غیرنازی پاک‌سازی شدند. همچنین، مسئولیت تأمین امنیت داخلی به عهده سازمان پلیس مخفی موسوم به «گشتاپو» گذاشته شد و اردوگاه‌های کار اجباری برای مخالفان برپا گردید.

هیتلر و نازی‌ها پس از به دست گرفتن زمام امور و لغو قرارداد ورسای، برای متحول کردن اقتصاد آلمان و تحقق وعده‌های خویش برنامه‌های گوناگونی را اجرا کردند. ساخت شبکه وسیعی از جاده‌ها و راه‌آهن، ایجاد مؤسسات عمومی و راه‌اندازی کارخانه‌های بزرگ به خصوص صنایع تسلیحاتی از جمله طرح‌های عمرانی و اقتصادی بود که به اجرا درآمد و به بحران رکود و بیکاری در آلمان پایان داد و شرایط تحقیرآمیز آلمان پس از جنگ جهانی اول را تا اندازه زیادی دگرگون کرد.



هیتلر و اعضای حزب نازی - دسامبر ۱۹۳۰

در بُعد نظامی نیز هیتلر به سرعت ارتش و تشکیلات نظامی را گسترش داد و به سلاح‌ها و فناوری‌های پیشرفته جنگی مجهز کرد. در بُعد روابط خارجی، نازی‌ها به رهبری هیتلر علاوه بر بستن پیمان‌های دو و چندجانبه با برخی کشورها، برنامه‌های توسعه طلبانه سرحدی و سرزمینی خود را به پیش بردند. هیتلر عقیده داشت که آلمان برای به دست آوردن فضای حیاتی، باید سرزمین‌هایی را در اروپا فتح کند.

بررسی شواهد و مدارک

فعالیت ۲

متن زیر را بخوانید و ببینید چرا این اتفاق عجیب رخ می‌دهد.

«عجیب نیست - و گویا همیشه چنین بوده است - که حقایق تاریخی توسط فاتحین جنگ تعیین و «تاریخ» توسط آنها تفسیر و نوشته شود؛ اما عجیب است - و گویا تاکنون هم این‌طور نبوده - که شکست‌خوردگان جنگ، تاریخی را که این قدر یک طرفه نگاشته شده است به راحتی باور می‌کنند، بدون اعتراض می‌پذیرند و به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند. (چرنین، شکست تابوها، ص ۱۱)

۴ توسعه طلبی نظامی ژاپن

ژاپن در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی قرن ۱۹ م، در ابتدای سده ۲۰ م به کشوری نیرومند تبدیل شده و سیاست خارجی تهاجمی در پیش گرفته بود. پیروزی این کشور بر امپراتوری قدرتمند روسیه (جنگ ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ م)، انگیزه و جسارت ژاپنی‌ها را برای حمله به دیگر کشورها تقویت کرد.

ژاپن در جنگ جهانی اول به اتفاق مثلث پیوست اما در مقایسه با انگلستان، فرانسه و آلمان زیان عمده‌ای متحمل نشد و اقتصادش در سال‌های پس از جنگ همچنان شکوفا ماند. از آنجا که اقتصاد ژاپن وابسته به واردات مواد خام بود، رشد صنعتی این کشور با قدرت نظامی



موتسو هیتو (Mutsuhito)، امپراتور ژاپن
(۱۸۶۸-۱۹۱۲م) در دوران انقلاب میجی

و دریانوردی ارتباط تنگاتنگی داشت. در فاصله دو جنگ جهانی، نظامیان هدایت سیاست داخلی و خارجی ژاپن را در اختیار گرفتند و آن را به سمت و سوی توسعه طلبی نظامی سوق دادند. همچنین، به کشورهای همسایه از جمله چین لشکرکشی کردند، از جامعه ملل خارج شدند و به همراه آلمان و ایتالیا کشورهای محور را شکل دادند.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵م)

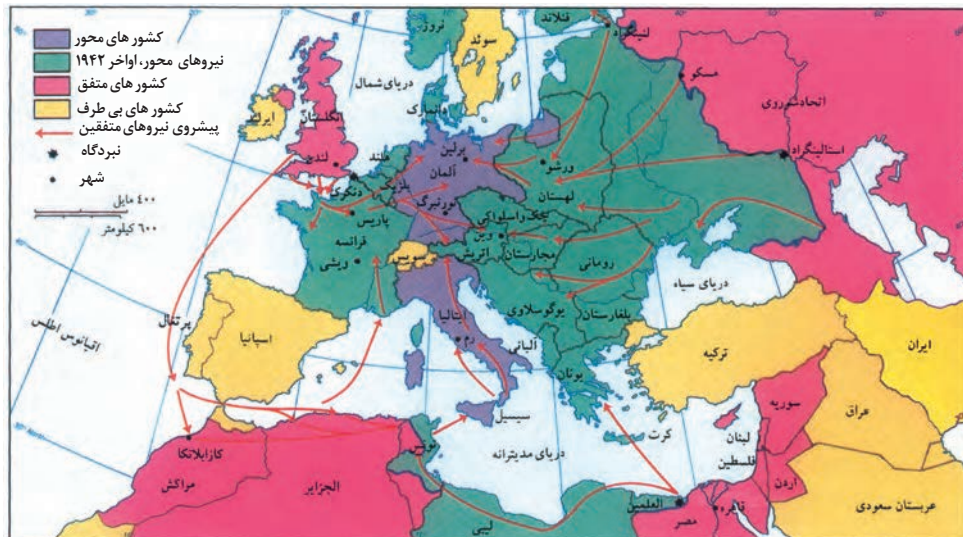
شروع جنگ و سال‌های پیروزی دولت‌های محور

انگلستان که سرمست از پیروزی جنگ جهانی اول بود و بیشترین سهم را از تقسیم دنیا میان فاتحان به دست آورده بود، اینک رقبایی نیرومند و تازه نفس مانند آلمان را در مقابل خود می‌دید.

نازی‌ها به رهبری هیتلر که به دنبال گسترش مرزهای خود در اروپا و در مستعمرات بوده و برای رسیدن به آن خود را مجهز کرده بودند، در اول سپتامبر ۱۹۳۹ / شهریور ۱۳۱۸ ناگهان به لهستان حمله و نیمه غربی این کشور را تصرف کردند. هیتلر تصمیم نداشت هم‌زمان در دو جبهه شرقی (شوروی) و غربی (فرانسه و انگلستان) بجنگد؛ بنابراین روی به مصالحه با استالین آورد و حتی به ارتش شوروی اجازه داد تا نیمه شرقی لهستان را اشغال کند.

در جبهه غربی؛ بلافاصله بعد از حمله به لهستان، فرانسه و انگلستان به آلمان اعلان جنگ کردند. آلمان محور اتحاد را با ایتالیا و ژاپن تشکیل داد (دولت‌های محور) و با زنجیره‌ای از لشکرکشی‌ها، توانست بر بخش زیادی از غرب اروپا چیره شود. شکست و اشغال فرانسه مهم‌ترین دستاورد ارتش نازی بود. هیتلر بعد از فتح پاریس از انگلیسی‌ها خواست که تسلیم شوند ولی انگلستان که از کمک‌های آمریکا برخوردار بود، جنگ را ادامه داد و نبرد شدیدی در هوا، دریا و زیردریا میان دو کشور شکل گرفت. با وجود آنکه انگلستان خسارات بسیاری را متحمل شد ولی نازی‌ها نتوانستند وارد این کشور شوند.

نیروهای محور هم‌زمان به شرق اروپا و بالکان هجوم برده و کشورهای آن منطقه را زیر سلطه درآوردند و سپس سرتاسر شمال آفریقا را صحنه جنگ نمودند. حدود دو سال از جنگ سپری شد و دولت‌های محور پیروز میدان بودند؛ اما نیمه دوم جنگ اوضاع به تدریج عوض شد.



جنگ جهانی دوم در اروپا و شمال آفریقا؛ ۱۹۴۱-۱۹۴۵

پیروزی متفقین

از ابتدای سال ۱۹۴۱ و علی‌رغم مصالحه با شوروی، سمت و سوی تهاجم آلمان ناگهان از غرب اروپا به سمت شوروی (شرق اروپا) تغییر جهت یافت. قدرت نظامی نیروهای شوروی در حدی نبود که بتوانند آلمانی‌ها را شکست دهند؛ پس تصمیم گرفتند که اجازه دهند نیروهای آلمانی وارد مناطق غربی سرزمین‌شان شوند. سربازان شوروی همان‌طور که از غرب روسیه به سمت شرق عقب‌نشینی می‌کردند، در سر راه خود مزارع و آذوقه‌ها را می‌سوزاندند تا دشمن نتواند از آنها استفاده کند. با این اوصاف نبرد به داخل روسیه کشیده شد و آلمان‌ها که نتوانسته بودند تا قبل از زمستان سخت روسیه، به پیروزی برسند، به سبب سرمای شدید و کمبود آذوقه، به شدت ضعیف شده و ادامه نبرد برایشان مشکل شد. در این فاصله نیروهای انگلستان و آمریکا به کمک شوروی آمدند.



در جریان نبرد هوایی در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ م بارها هواپیماهای آلمانی شهر لندن را بمباران کردند و خسارت‌های فراوانی به این شهر وارد آوردند.



بمباران شهر درسدن آلمان

ایالات متحده آمریکا در طول جنگ به انگلستان و فرانسه کمک‌های مالی، تجهیزاتی و تدارکاتی می‌کرد، ولی حضور رسمی در جنگ نداشت. اما با ادعای حمله ژاپنی‌ها به ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام، این کشور رسماً به متفقین پیوست و با ارتش ژاپن (در اقیانوس آرام و شرق آسیا) و ارتش آلمان و ایتالیا (در غرب اروپا و آفریقا) مستقیماً وارد جنگ شد. ورود ارتش آمریکا توان متفقین را دوچندان کرد و به موفقیت‌های بی‌دری دست یافتند. سرانجام نیروهای ژاپنی در سال ۱۹۴۲ م شکست سختی خوردند و در سال ۱۹۴۳ م ایتالیا به زانو درآمد. در سال بعد نیروهای متفقین در خاک فرانسه پیاده شدند و این کشور را آزاد کردند و سپس از سمت غرب وارد خاک آلمان شدند.

پایان جنگ

با ورود نیروهای متفقین به برلین، هیتلر خودکشی کرد. ارتش شوروی بخش شرقی و نیروهای انگلیسی و آمریکایی قسمت غربی آلمان را به اشغال خود درآوردند (مه ۱۹۴۵). نیروهای متفقین تعدادی از فرماندهان و سران حکومت نازی را نیز دستگیر و سپس در دادگاه نورنبرگ به‌عنوان جنایتکار جنگی محاکمه و مجازات کردند.

پس از به زانو درآمدن نازی‌ها، جنگ با ژاپن ادامه یافت. در حالی که نشانه‌های شکست و تسلیم شدن ژاپنی‌ها آشکار شده بود، دولت آمریکا دو شهر هیروشیما و ناگاساکی ژاپن را برای اولین بار در تاریخ، با بمب‌های اتمی ویران کرد (اوت ۱۹۴۵). تا سی روز بعد از انفجار بمب، مردم به‌طور اسرارآمیزی جان خود را از دست می‌دادند. دولت ژاپن ۳۷۰ هزار نفر «قربانی بمب اتم» را تا سال ۱۹۸۰ م ثبت کرده است.^۱



مردم لنینگراد هنگام ترک خانه و کاشانه خود در جنگ جهانی دوم



بمباران اتمی ژاپن توسط آمریکا

۱. این رقم بسیار کمتر از تعداد واقعی قربانیان است؛ زیرا شرط ثبت رسمی با این نام، داشتن دو شاهد غیرخویشاوند بود که برای بسیاری از قربانیان غیرممکن بود.

آثار و نتایج جنگ

تلفات روسیه و آلمان در این جنگ بیش از سایر کشورها بود. بسیاری از کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی که درگیر جنگ شده بودند، کمابیش صدمه دیدند و آسیب‌های اقتصادی فراوانی به آنها رسید. گرسنگی، بیماری‌های مسری، آوارگی و اختلال‌های روحی و روانی نیز از دیگر مصیبت‌های ناشی از جنگ بود که بسیاری از مردم جهان را به شدت آزار داد.

با سقوط برلین و اعلام تسلیم از سوی ژاپن، جنگ جهانی دوم به‌طور رسمی خاتمه یافت. جنگ جهانی دوم مهلک‌ترین و مخرب‌ترین رویداد در تاریخ بشر است و حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر در این جنگ کشته شدند. پس از این رویداد، متفکران زیادی از سراسر دنیا در مبنای و همچنین کارآمدی تمدن غرب مدرن برای ساختن دنیایی بهتر تجدیدنظر کردند.

بحث و گفت‌وگو

دیدگاه یکی از مورخان معاصر درباره آثار و پیامدهای فکری و فرهنگی جنگ جهانی دوم را بخوانید و نظر خود را درباره آن در کلاس بیان کنید: «مهیبت‌ترین بصیرت و آگاهی حاصل از این پدیده این بود که اکنون بشر قدرت انهدام کامل خود را به دست آورده است» (آدلر، تمدن‌های عالم، ج ۲، ص ۷۶۶).

ایران در جنگ



نظامیان شوروی در ایران، قزوین، جنگ جهانی دوم

وقتی جنگ جهانی دوم درگرفت، دولت ایران اعلام بی‌طرفی کرد. در آن زمان، کشور ما روابط بازرگانی گسترده‌ای با آلمان داشت و تعداد زیادی از کارشناسان (تکنسین‌های) آلمانی در ایران مشغول کار بودند. تلاش‌های انگلستان برای جلوگیری از داد و ستد آلمان با کشورهای بی‌طرف، اعتراض حکومت رضاشاه را برانگیخت و باعث شد که ایران از طریق شوروی به تجارت با آلمان ادامه دهد.

در پی هجوم ارتش نازی به خاک شوروی، حفاظت از منابع نفت باکو برای روس‌ها و منابع نفت جنوب ایران برای انگلیسی‌ها اهمیت حیاتی یافت. از سوی دیگر، خاک ایران مناسب‌ترین مسیر برای رساندن کمک‌های تسلیحاتی و تدارکاتی متفقین به نیروهای شوروی بود. بنابراین، در حالی که ارتش آلمان در خاک شوروی به سوی ایران پیشروی می‌کرد، دولت‌های شوروی و انگلستان از حکومت ایران خواستند که آلمانی‌ها را اخراج کند و به اقدامات خصمانه علیه هیتلر دست بزند. به بهانه حضور نیروهای آلمانی در ایران نیروهای شوروی و انگلستان در سوم شهریور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۱) از شمال و جنوب به ایران هجوم آوردند. ارتش ایران مقاومتی نکرد و به سرعت تسلیم شد.

ایران پلی برای پیروزی متفقین در جنگ بود و بدون استفاده از ظرفیت ایران، سرنوشت جنگ تغییر می‌کرد. پس از اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، رضاشاه به



نیروهای انگلیسی در ایران، جنگ جهانی دوم

فرمان انگلیسی‌ها و به سرعت به نفع پسرش (محمدرضا) وادار به کناره‌گیری از سلطنت شد و به جزیرهٔ موریس در جنوب غربی اقیانوس هند تبعید گردید.

جهان پس از جنگ جهانی دوم

بودند، «بلوک غرب» و شوروی و کشورهای اقماری^۱ آن به همراه کشورهای که نظام کمونیستی بر آنها حاکم بود (مانند چین و کره شمالی)، «بلوک شرق» نامیده می‌شدند.

آمریکا و شوروی، که دو ایدئولوژی مختلف برای اداره جامعه ارائه می‌دادند، در زمینه‌های مختلف علمی، صنعتی، توسعه تکنولوژی، تجهیزات نظامی، فناوری جاسوسی و حتی ورزش و صنعت مُد رقابت تنگاتنگ داشتند. آنها برای جذب متحدین بیشتر به برقراری اتحادها و پیمان‌های سیاسی و نظامی مانند ناتو^۲ و وِرشو^۳ دست زدند. بین شوروی و آمریکا هرگز رویارویی نظامی و جنگ مستقیم اتفاق نیفتاد، ولی رقابت و تنش‌های مکرر (مانند ساخت دیوار برلین^۴) و جنگ‌های نیابتی باعث شد که از این دوران، تحت‌عنوان جنگ سرد یاد کنند.

مشکلات اقتصادی و سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی به مرور زمان اعتراضات مردمی را افزایش داد و بلوک غرب نیز با استفاده از دستگاه رسانه‌ای خود به آنها دامن می‌زد. رهبران شوروی سعی کردند تا با انجام اصلاحاتی، این اعتراضات را مهار کنند ولی در نهایت در سال ۱۹۹۱م این اتحاد فروپاشید و به دنبال آن بلوک شرق از صفحه تاریخ محو شد. خراب شدن دیوار برلین نماد این فروپاشی است.

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، بر پایهٔ توافق‌هایی که از پیش میان سران متفقین (آمریکا، انگلستان و شوروی) صورت گرفته بود، شوروی تسلط سیاسی - نظامی خود را بر اروپای شرقی اعمال کرد. آلمان نیز به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد؛ روس‌ها نیمهٔ شرقی و سایر دولت‌های متفق نیمهٔ غربی آن را تحت سلطهٔ خود گرفتند.

آمریکا پس از این جنگ مؤسسات یا سازمان‌های بین‌المللی متعددی را در بخش‌های مختلفی (مانند روابط بین‌الملل، امنیت و اقتصاد) تأسیس یا تقویت کرد^۱ تا از نظم نوینی که بر جهان حاکم شده بود، محافظت کند. ظهور انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) اولین ضربه کاری بر نظم جدید آمریکایی در جهان است.

عصر جنگ سرد

جلوگیری از گسترش قدرت آلمان و مقابله با متحدین در جنگ باعث همکاری شوروی و آمریکا شده بود. اما با پایان جنگ و از میان رفتن دشمن مشترک، این همکاری تبدیل به بی‌اعتمادی، رقابت و تنش شدید شد. اصطلاح بلوک غرب و بلوک شرق در این شرایط رایج شد. آمریکا و هم‌پیمانانش که دارای نظام سرمایه‌داری

۱. مانند سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ در آمریکا به‌طور رسمی تأسیس شد.

۲. کشورهای اقماری به تعدادی از کشورهای اروپای شرقی گفته می‌شد که شوروی بعد از جنگ جهانی دوم بر آنها تسلط یافت و حکومت‌های کمونیستی را در آنجا بر سر کار آورد.

۳. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی با علامت اختصاری ناتو در اواسط قرن بیستم بین آمریکا و هم‌پیمانانش شکل گرفت. کشورهای امضاکننده این پیمان توافق کردند در صورت حمله به یک یا چند کشور عضو بقیه کشورها درصدد مقابله برآیند. میراث به‌جای مانده از این پیمان، بر ضد قدرت‌های نوظهور و رقیبای تمدن غربی نیز به‌کار گرفته شد.

۴. پیمان وِرشو بین شوروی و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی در شهر وِرشو (پایتخت لهستان) بسته شد. این پیمان در مقابل پیمان ناتو منعقد شد.

۵. آلمان و پایتخت آن برلین، بعد از جنگ جهانی دوم بین متفقین تقسیم شد و قسمت شرقی آن به دست شوروی افتاد و قسمت غربی آن تحت حاکمیت کشورهای بلوک غرب درآمد. در سال ۱۹۶۱ و با اوج‌گیری جنگ سرد، شوروی اقدام به کشیدن دیوار بین دو قسمت غربی و شرقی برلین کرد تا مانع از مهاجرت مردم و معترضان، به نظام کمونیستی از بخش شرقی به بخش غربی شهر شود.

کمونیسم در برابر لیبرالیسم

سردمداران بلوک شرق معتقد بودند که کمونیسم راه حل تمام مشکلات بشر را یافته است و می تواند انسان را روی زمین به سعادت برساند. در مقابل، گردانندگان بلوک غرب مدعی بودند که مکتب لیبرالیسم و نظام سرمایه داری منعکس کننده گرایش ها و تمایلات منطقی تمام کسانی است که درست فکر می کنند.

بازسازی و رونق اقتصادی اروپا

از یک دهه (۱۹۵۵-۱۹۶۵م) بیش از ۳۰ کشور مستقل آسیایی و آفریقایی از مستعمره های اروپاییان سر برآوردند. البته در الجزایر، دولت فرانسه تلاش کرد با استفاده از نیروی نظامی جنبش استقلال خواهی را سرکوب کند اما مردم آن کشور پس از سال ها مبارزه سخت، بر استعمار پیروز شدند و به استقلال دست یافتند (۱۹۶۲م).

فلسطین

اشغال کشور مسلمان فلسطین و تأسیس رژیم غاصب اسرائیل یکی از مسائل مهم منطقه خاورمیانه و جهان اسلام در سده ۲۰م است. مهاجرت گروه های کوچکی از یهودیان به فلسطین در اوایل دهه ۱۸۸۰م آغاز شد. انگلستان در سال ۱۹۱۷م با صدور اعلامیه بالفور^۱ نظر مساعد خود را با ایجاد سرزمین یهودی در فلسطین اعلام کرد. در دوران قیمومیت انگلستان بر فلسطین در سال های پس از جنگ جهانی اول، یهودیان بیشتری به این کشور مهاجرت کردند. سازمان ملل (در سال ۱۹۴۸م) با فشار شبکه صهیونیسم^۲ بین الملل و حمایت دولت های انگلیس و آمریکا و سکوت بیشتر کشورهای مسلمان، دولت جعلی اسرائیل را به رسمیت شناخت. مسئله فلسطین و ظلمی که بر مردم این کشور می شود، تنها یک مسئله مربوط به مردم عرب و یا حتی یک مسئله صرفاً اسلامی نیست، بلکه یک مسئله بسیار با اهمیت است. دلایل اهمیت

جنگ بخش وسیعی از اروپا و اقتصاد آن را ویران کرد، اما کشورهای اروپایی برای بازسازی کشورهای خود به پا خاستند و با کار سخت و برنامه ریزی های مختلف، تحولات جدی را در کشورهای خود رقم زدند؛ به حدی که برخی از آنها، امروزه در زمینه اداره امور دنیای خود از فاتحان جنگ نیز بالاتر رفته اند. در این مسابقه علمی و بازسازی جدی که سرعت تحولات آن به هیچ کشوری که رؤیای پیشرفت و آبادانی و استقلال و اقتدار دارد، مجال توقف نمی داد، ایران با حکومت گوش به فرمان بیگانه در زمان پهلوی دوم، نه به اندازه سی سال، که چندین برابر آن از حرکت پرشتاب دنیا در بخش های گوناگون عقب ماند.

استقلال طلبی و استعمارزدایی

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، فریاد استقلال طلبی و مخالفت با استعمار در بسیاری از کشورهای مستعمره بلند شد. در هندوستان حزب کنگره ملی به رهبری مهاتما گاندی با کمک مبارزه متحد مسلمانان و هندوها استقلال کامل این کشور را درخواست کرد و انگلستان فرسوده و زخم خورده از دو جنگ جهانی، به ناچار تسلیم شد (۱۹۴۷م). علاوه بر آن، جنبش های استقلال طلبانه در جنوب شرقی آسیا و قاره آفریقا عمدتاً به نحو مسالمت آمیز به وقوع پیوستند و در کمتر

۱. بالفور (Balfour) وزیر خارجه وقت انگلستان بود که در نامه ای نظر مساعد دولت خود را به تشکیل کشوری یهودی در سرزمین فلسطین اعلام کرد.

۲. در دنیا یهودیان فراوانی وجود دارند که از صهیونیسم بیزارند. صهیونیسم یک جریان فکری سیاسی متجاوز است که تشکیل دولت اسرائیل را هدف نهایی خود می داند و برای رسیدن به آن، هرگونه اقدامی انجام می دهد. منظور از صهیونیسم فقط دولت اشغالگر فلسطین نیست، بلکه راه اندازی و اداره دولت اسرائیل تنها بخشی از مجموعه فعالیت این گروه است. آنها در واقع سرمایه داران بزرگی هستند که در کشورهایمانند آمریکا نفوذ فراوان دارند و بر سیاست آن کشور مسلط اند. امروزه نه تنها دولت ها و مجالس این کشورها بلکه برخی سازمان های بین المللی نیز در زمینه های مالی، نظامی، تبلیغاتی و فرهنگی اسیر طلسم صهیونیسم اند. قبل از انقلاب اسلامی، رژیم ظالم پهلوی حتی اجازه تفکر درباره مسئله فلسطین را نمی داد و نمی گذاشت مردم احساس کنند که مسئله فلسطین جزئی از مسئله مسلمانان و انقلاب اسلامی است. امام خمینی برای اولین بار در تاریخ مبارزات عربی و اسلامی و فلسطینی، یک روز را به نام روز قدس و به عنوان نمادی برای مبارزه با صهیونیسم، معین کرد.



پس از پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه به رهبری سید حسن نصرالله و پیروزی مقاومت غزه در جنگ ۲۲ روزه و ۸ روزه، افسانه شکست‌ناپذیری صهیونیست‌ها فرو ریخته است.



در این منطقه به وجود آمد، اسرائیل با آن مقابله کند و بتواند جلوی نفوذ آنها را بگیرد. بنابراین دستیابی صهیونیست‌ها به قلب دنیای اسلامی یعنی فلسطین، باعث تداوم سلطه استعمارگران بر دنیای اسلام است.

فلسطین را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

۱ کشور فلسطین در محل تقاطع و لولای سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد و راه‌های ارتباطی زمینی این سه قاره از این منطقه می‌گذرد.

۲ یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین آبراه‌های جهان از این منطقه عبور و ارتباط بین غرب و شرق را فراهم می‌کند (مسیر آبی دریای مدیترانه - دریای سرخ - اقیانوس هند) روزانه کشتی‌های فراوانی در این مسیر در رفت و آمدند و کالاهای مبادله شده بین کشورها از جمله نفت، را جابه‌جا می‌کنند.

۳ این سرزمین مهد ادیان الهی و محل زندگی بسیاری از پیامبران بوده و اماکن مقدس بسیاری در آن واقع شده است. از این جهت کانون توجه بسیاری از مردم جهان از جمله مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است.

۴ تشکیل دولت جعلی اسرائیل در این منطقه و در قلب دنیای اسلام، با یک هدف بلند مدت استکباری و ظالمانه به وجود آمد. ادامه حیات و فعالیت اسرائیل، این تضمین را به صهیونیست‌ها می‌دهد که اگر زمانی دولت اسلامی مقتدری

پرسش‌های نمونه

- ۱ عوامل ضعف جامعه ملل و ناتوانی آن‌را در جلوگیری از جنگ جهانی دوم بیان کنید.
- ۲ ویژگی‌های مشترک دیکتاتوری‌های استالین، موسولینی و هیتلر را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فهرست کنید.
- ۳ رویدادهای مهم منتهی به جنگ جهانی دوم و دوران آن جنگ را روی نمودار خط زمان نشان دهید.
- ۴ ارزیابی شما از سیاست حکومت رضاشاه در قبال جنگ جهانی دوم چیست؟ (برای دیدگاه خود استدلال بیاورید.)
- ۵ به نظر شما جنگ جهانی دوم چه زمینه‌ای را برای استقلال تعداد زیادی از کشورهای آسیایی و آفریقایی و استعمارزدایی از چهره آنها به وجود آورد؟

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران

نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دو رویداد مهم و تأثیرگذار در تاریخ پر فراز و نشیب دوران معاصر ایران به شمار می‌روند. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه‌ها، علل، آثار و پیامدهای داخلی و خارجی نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

بحث و گفت‌وگو

پس از همفکری و مرور آموخته‌های قبلی، دیدگاه خود را درباره تأثیر منابع نفت بر تحولات مهم تاریخ معاصر ایران، به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم، بیان کنید.

نفت و اهمیت آن

با پیشرفت و گسترش صنعت در یکصد و پنجاه سال اخیر، نفت^۱ به عنوان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت. در دنیای کنونی، کمتر صنعتی را می‌توان یافت که به نوعی به نفت و مشتقات آن وابسته نباشد. جنگ‌های جهانی اول و دوم اهمیت و ارزش دسترسی به منابع نفت و تسلط بر آن را بیش از گذشته برای سیاستمداران و رهبران کشورهای قدرتمند آشکار ساخت. در اوایل سده ۲۰م، کشف منابع نفت در منطقه خاورمیانه توجه کشورهای استعمارگر و صاحبان صنایع بزرگ را بیش از گذشته به این منطقه و از جمله کشور ما – که سومین ذخایر نفت جهان را دارد، – جلب کرد. دست یافتن به تلالی سیاه در ایران نیز باعث تغییر و تحولاتی بنیادین در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد. با وجود اهمیت و آثار مثبت نفت در ابعاد مختلف زندگی مردم کشورهای نفت‌خیز، بعضی از کارشناسان به برخی تأثیرات منفی آن در ابعاد اقتصادی و سیاسی اشاره می‌کنند.^۲

۱. در زبان اوستایی کلمه نپتا (Nepta) به معنی روغن معدنی است و همین کلمه بعداً توسط عرب‌زبانان به صورت نفت مورد استفاده قرار گرفت. در زبان‌های فرانسه و انگلیسی نفت را پترول (Petrol) و پترولیوم (Petroleum) می‌خوانند که به معنای (روغن سنگ) است (ذوقی، نفت ایران، صص ۱۱ – ۱۲).
۲. لسانی، تلالی سیاه یا بالای ایران، صفحات مختلف.

تاریخچه کشف و استخراج نفت ایران

در زمان مظفرالدین‌شاه، امتیاز کشف و استخراج نفت و گاز در سرتاسر ایران به مدت ۶۰ سال به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام ویلیام ناکس دارسی^۱ واگذار شد (۱۲۸۰ش/۱۹۰۱م). در مقابل، او تعهد کرد که ۲۰ هزار لیتر نقد، ۲۰ هزار لیتر به شکل سهام و تنها ۱۶ درصد سود خالص سالانه به دولت ایران پرداخت کند. فعالیت‌های انگلیسی‌ها برای یافتن منابع نفت در مناطق مختلف ایران، با فوران نخستین حلقه چاه نفت در منطقه مسجد سلیمان به نتیجه رسید (۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م). پس از آن، شرکت جدیدی به نام «شرکت نفت پارس و انگلیس»^۲ تشکیل شد. این شرکت چاه‌های زیادی در منطقه مسجد سلیمان حفر کرد و خط لوله‌ای هم از آنجا تا آبادان کشید. دولت انگلستان پس از آنکه از ارزش منابع عظیم نفت ایران و اهمیت آن برای نیروی دریایی خود آگاه شد، ۵۱ درصد سهام شرکت نفت پارس و انگلیس را خریداری کرد و حق نظارت کامل بر آن شرکت را به دست آورد (۱۹۱۴م). بدین گونه این شرکت به بازوی پر قدرت اقتصادی و سیاسی دولت انگلیس تبدیل شد و زمینه اعمال نفوذ و مداخله بیشتر انگلیسی‌ها را در ایران فراهم آورد. پس از انقلاب مشروطه، همواره میان دولت ایران و انگلیس اختلافات دامنه‌داری درباره نحوه عملکرد شرکت نفت ایران و



کارگران شرکت نفت هنگام احداث خط لوله نفت در خوزستان

انگلیس و پرداخت سهم ایران وجود داشت. در نتیجه چنین اختلافاتی بود که رضاشاه امتیازنامه دارسی را یک طرفه لغو کرد اما خیلی زود قرارداد نفتی دیگری را با انگلستان منعقد نمود (۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش). در قرارداد جدید، سهم ایران نسبت به قرارداد قبلی اندکی افزایش یافت و منطقه جغرافیایی قرارداد به میدان‌های نفتی شناخته شده جنوب کشور محدود گردید، اما در عوض، ۳۰ سال به مدت قرارداد افزوده شد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰

نیروهای متفقین پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه از کشور، کنترل مستقیم راه‌های اصلی خلیج فارس به مرزهای شوروی و حفاظت از چاه‌ها و تأسیسات نفت جنوب را به دست گرفتند. آنان همچنین برخی از شخصیت‌های ایرانی هوادار دولت‌های محور و تعدادی از آلمانی‌های فعال در ایران را بازداشت کردند. متفقین ضمن تأکید بر اینکه در اداره امور کشور مداخله نخواهند کرد، تمامیت ارضی ایران را تضمین کردند و وعده دادند که ظرف شش ماه پس از پایان جنگ، نیروهایشان را از ایران بیرون خواهند برد.

اشغالگران تعهد کرده بودند که آذوقه و غله مورد نیاز مردم ایران را نیز تأمین کنند اما کمبود و گرانی مواد غذایی و به ویژه نان در زمان جنگ جهانی دوم، موجب بروز مشکلات و اعتراض‌های خیابانی متعددی در شهرهای مختلف کشور از جمله تهران شد. محمدرضاشاه پهلوی در ابتدای سلطنتش به منظور تحکیم جایگاه خویش، به اقدامات مختلفی دست زد. از جمله هنگام ادای سوگند در مجلس شورای ملی سوگند خورد که مطابق قانون اساسی به عنوان یک پادشاه مشروطه، فقط سلطنت کند نه حکومت. او همچنین املاکی را که پدرش تصرف کرده بود، در اختیار دولت گذاشت تا آنها را به صاحبانشان بازگرداند. علاوه بر این، به مراجع تقلید اطمینان داد که حجاب را محدود یا ممنوع نخواهد کرد.

۱. William Knox Darcy

۲. در دوره رضاشاه به شرکت نفت ایران و انگلیس تغییر نام داد.



نمایی از تظاهرات مردم تهران در اعتراض به کمبود و گرانی نان در برابر مجلس شورای ملی در میدان بهارستان (آذر ۱۳۲۱)

در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، شاه فقط بر ارتش مسلط بود و نظارت و قدرت اداری و اجرایی کشور در اختیار مجلس شورای ملی و هیئت دولت بود. اعیان و اشراف زمین‌دار و غیرزمین‌دار در مجلس، کابینه و در سطح محلی، قدرت و نفوذ زیادی داشتند. در این دوره، مطبوعات و احزاب نیز به صورت گسترده و با شور و شوق فراوان فعالیت می‌کردند و نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی داشتند.

زمینه‌های نهضت ملی شدن نفت

سیاست موازنه منفی



قوام و سادچیکف، سفیر شوروی، هنگام امضای موافقت‌نامه امتیاز نفت شمال

در دوران اشغال ایران، دولت‌های آمریکا و شوروی برای کسب امتیاز استخراج نفت در مناطقی که در خارج از محدوده قرارداد ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳م ایران و انگلیس قرار داشتند، از جمله نفت شمال، به شدت با هم رقابت می‌کردند. در این میان، نمایندگان مجلس شورای ملی (دوره چهاردهم) به پیشنهاد دکتر محمد مصدق طرحی را به تصویب رساندند که دولت را از مذاکره و انعقاد قرارداد با کشورهای خارجی در خصوص نفت ایران بدون تأیید و تصویب مجلس منع می‌کرد (۱۳۲۳ش). این مصوبه در حکم اتخاذ سیاست «موازنه منفی»، یعنی ایستادگی در برابر امتیازخواهی دولت‌های سلطه‌جو،

بود و دقیقاً خلاف سیاست «موازنه مثبت» تلقی می‌شد، که تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و اعطای امتیاز به آنها را توصیه می‌کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، شوروی نمی‌خواست بدون گرفتن امتیاز، نیروهایش را از ایران خارج کند؛ از این رو، احمد قوام (قوام‌السلطنه) نخست‌وزیر وقت، طی موافقت‌نامه‌ای امتیاز نفت شمال را به شوروی واگذار کرد. لازم بود این موافقت‌نامه به تأیید و تصویب مجلس شورای ملی برسد، اما نمایندگان مجلس نه تنها موافقت‌نامه مذکور را رد کردند بلکه واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن را به خارجی‌ها ممنوع کردند.

اعتراض به قرارداد نفت جنوب

نمایندگان مجلس شورای ملی در مخالفت با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی، دولت را مکلف ساختند که برای گرفتن تمامی حقوق ملی در موضوع نفت جنوب، مذاکره کند و اقدامات لازم را انجام دهد (مهر ۱۳۲۶). این اقدام به معنای اعلام نارضایتی رسمی و علنی از قرارداد نفتی ایران با انگلستان (قرارداد ۱۹۳۳م/ ۱۳۱۲ش) و تلاش برای تجدید نظر در آن به حساب می‌آمد. سپس، اعتراض به این قرارداد و انتقاد از آن در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران آغاز شد.

جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی

پس از مذاکراتی که میان نماینده دولت ایران و نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس با هدف بازنگری در قرارداد نفت جنوب و تأمین منافع ایران صورت گرفت، قرارداد الحاقی تدوین و امضا شد.^۱ این قرارداد معاهده نفتی ۱۳۱۲ش را اندکی تعدیل کرد، اما باز هم تأمین کننده حقوق و منافع کشور ما نبود. به همین سبب، معدودی از نمایندگان مجلس شورای ملی که مخالف قرارداد بودند، مانع رأی گیری درباره آن شدند.^۲ در مجلس شانزدهم نیز اقلیتی از نمایندگان عضو جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق با مخالفت مؤثر خود از تصویب قرارداد مذکور جلوگیری کردند. از جمله علل مهم مخالفت با قرارداد الحاقی گس – گلشایبان این بود که این قرارداد علاوه بر نادیده گرفتن حقوق مادی مردم ایران، حاکمیت ملی و استقلال کشور را به نوعی نقض می کرد و به تسلط بیگانگان بر منابع و صنعت نفت مشروعیت می بخشید.

فعالیت ۱

بررسی شواهد و مدارک

با بررسی و ارزیابی مفاد قرارداد الحاقی گس – گلشایبان، که دبیر در اختیار شما قرار می دهد، استدلال کنید که آیا این قرارداد حداقل حقوق و منافع ملی ایرانیان را تأمین می کرد یا خیر.

پیشنهادات

تأسیس جبهه ملی ایران

دخالت عبدالحسین هژیر، وزیر دربار شاهنشاهی، در برگزاری انتخابات شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی، باعث اعتراض بسیاری از سوی گروه ها و چهره های سیاسی شد. عده ای از سیاستمداران و روزنامه نگاران به رهبری دکتر محمد مصدق، در اعتراض به دخالت های دولت وقت در ۲۲ مهرماه ۱۳۲۸ در کاخ مرمر متحصن شدند. چندی پس از پایان تحصن، افراد متحصن در منزل مصدق جمع شدند. سیدحسین فاطمی در سخنانی پیشنهاد تشکیل ائتلاف جبهه ملی را داد و به این ترتیب، جبهه ملی ایران به رهبری محمد مصدق تشکیل شد (آبان ۱۳۲۸). این جبهه مهم ترین تشکیلاتی بود که بر مبنای ملی گرایی در ایران به وجود آمد. پس از تشکیل جبهه ملی، علاوه بر هیئت مؤسس، احزاب مختلفی از قبیل حزب ملت ایران، زحمتکشان ملت ایران، مردم ایران، مجمع مسلمانان مجاهد و انجمن اصناف و تجار بازار تهران به آن پیوستند و جبهه واحدی را برای مقابله با استعمار انگلیس، تأمین حقوق و منافع ملی از طریق اجرای کامل اصول قانون اساسی و استقرار حکومت مشروطه به وجود آوردند.

۱. عباسقلی گلشایبان، وزیر دارایی وقت، به عنوان نماینده ایران و نوبل گس (Neville Gass) به عنوان نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس پس از ماه ها مذاکره، قراردادی را به عنوان ضمیمه قرارداد نفتی ۱۳۱۲/م/۱۳۱۳ش تدوین و امضا کردند (تیر ۱۳۲۸) که به قرارداد الحاقی گس – گلشایبان معروف شد.
۲. حسین مکی، یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی، با حمایت عبدالله معظمی که از نمایندگان منتقد مجلس بود، آن قدر نطق خود را طولانی کرد که زمان مجلس شانزدهم به پایان رسید و فرصت تصویب قرارداد الحاقی از دست رفت. بدین ترتیب، سرنوشت این قرارداد به مجلس شانزدهم کشید.

مبارزه برای ملی کردن نفت

نمایندگان مخالف قرارداد الحاقی در مجلس شانزدهم، ضمن مخالفت با این قرارداد، طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را پیشنهاد کردند.^۱ این طرح با استقبال گسترده شخصیت‌ها، قشرها و گروه‌های مختلف سیاسی، ملی و مذهبی روبه‌رو شد و بسیاری از مطبوعات



دکتر مصدق و آیت الله کاشانی

نیز از آن پشتیبانی کردند. تظاهرات و اعتصابات‌هایی هم در مخالفت با قرارداد الحاقی و طرف‌داری از ملی شدن صنعت نفت برپا شد. آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، که سابقه طولانی در مبارزه با استعمار انگلستان داشت، با جدیت تمام از جنبش ملی شدن صنعت نفت حمایت کرد. وی در اعلامیه‌ای، مبارزه برای ملی شدن نفت را تکلیف دینی و وطنی ملت ایران برشمرد و تعدادی از علما نیز نظر او را تأیید کردند.^۲

در جبهه مقابل نیز انگلستان و عوامل داخلی‌اش برای حفظ منافع استعماری خود و جلوگیری از دستیابی ملت ایران به حقوق خویش به تکاپو افتادند. سپهد حاجعلی رزم‌آرا در مقام نخست‌وزیر (تیر تا اسفند ۱۳۲۹) از سیاست انگلستان جانب‌داری می‌کرد و با ملی شدن صنعت نفت به شدت مخالف بود.

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت

پس از اعدام انقلابی رزم‌آرا به دست خلیل طهماسبی^۳ یکی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام (۱۶ اسفند ۱۳۲۹)، مهم‌ترین مانع بر سر راه ملی شدن صنعت نفت برداشته شد. چند روز بعد از آن، نخست مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹) و سپس مجلس سنا در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند و جنبش ضداستعماری ملت ایران در گام نخست به پیروزی رسید. بی‌تردید، پیروزی جنبش‌های ضداستعماری مردم هندوستان علیه انگلستان به‌عنوان استعمار پیر و نیز موفقیت حرکت‌های استقلال‌طلبانه در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، تأثیر بسزایی بر خیزش ملت ایران برای طلب کردن و گرفتن حقوق ملی خود داشته است.



صحنه‌ای از تظاهرات مردم تهران در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت ایران

۱. متن طرح پیشنهادی ملی شدن نفت: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود؛ یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد». امضاکنندگان این پیشنهاد عبارت بودند از: دکتر مصدق، سید علی شایگان، ابوالحسن حائری‌زاده، مظفر بقایی، اللهیار صالح، محمود نریمان، حسین مکی، عبدالقدیر آزاد، میرسیدعلی بهبهانی، عباس اسلامی و کاظم شبیبانی.
۲. روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، ص ۱۵.
۳. درباره ضارب اصلی رزم‌آرا اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که او به ضرب گلوله یکی از محافظانش کشته شده است.

جمعیت فداییان اسلام



شهیدان نواب صفوی و سیدمحمد واحدی لحظاتی پس از بازداشت در حضور سرلشکر تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران

فداییان اسلام تشکلی مذهبی، سیاسی و انقلابی بود که در سال ۱۳۲۴ش به همت طلبه جوانی به نام سید مجتبی نواب صفوی به وجود آمد و تا سال ۱۳۳۴ش نقش مؤثری در رویدادهای سیاسی کشور داشت. هدف این جمعیت برقراری حکومتی بود که اجرای قوانین اسلام را در دستور کار خود قرار دهد. شهرت و تأثیر این جمعیت بیشتر مدیون اقدامهای مسلحانه و ترورهای بود که به دست اعضای آن صورت گرفت. آنها نخست احمد کسروی را به علت اقدامات و نوشته‌های ضد دینی به قتل رساندند

(۱۳۲۴ش). سپس، عبدالحسین هژیر وزیر دربار را به جرم فساد و خیانت کشتند. قتل رزم‌آرا یکی دیگر از اقداماتی بود که فداییان اسلام به عهده گرفتند. همراهی و همکاری فداییان اسلام با جبهه ملی و دولت دکتر مصدق خیلی زود به دشمنی تبدیل شد؛ زیرا از نظر فداییان اسلام آن دولت وفادار و مصمم به اجرای قوانین و احکام اسلام نبود. از این رو، دکتر حسین فاطمی را که وزیر خارجه دولت مصدق بود، ترور کردند اما او جان سالم به در برد. پس از آن، نواب صفوی و برخی از یارانش در زمان مصدق مدتی به زندان افتادند. پس از ترور نافرجم حسین علاء، نخست‌وزیر وقت (آذر ۱۳۳۴) توسط یکی از اعضای جمعیت فداییان اسلام، نواب صفوی رهبر آن جمعیت، و سه نفر از یارانش (مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی) دستگیر شدند و پس از محاکمه به شهادت رسیدند. شمار دیگری از فداییان اسلام نیز به زندان محکوم شدند.

نخست‌وزیری مصدق و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت



سخنرانی دکتر مصدق در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره ملی شدن صنعت نفت ایران

در اردیبهشت ۱۳۳۰، دکتر مصدق با حمایت گسترده افکار عمومی، اتحاد و همکاری تنگاتنگ نیروهای ملی و مذهبی و پشتیبانی قاطع آیت‌الله کاشانی، نخست‌وزیر شد تا قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را با قاطعیت به اجرا درآورد. دولت دکتر مصدق پس از روی کار آمدن، بی‌درنگ هیئتی را به ریاست مهندس مهدی بازرگان به خوزستان فرستاد تا مراکز و تأسیسات نفتی را از حوزه اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس خارج کند. اجرای این قانون نقطه عطفی در تاریخ معاصر و مبارزه مردم ایران برای رهایی از سلطه استعمار و نجات سرمایه‌های ملی از تسلط بیگانگان به‌شمار می‌رود.

اقدامات انگلستان برای ممانعت از ملی شدن نفت

انگلیسی‌ها برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون ملی شدن نفت، به اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی دست زدند که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

- تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق‌العاده دستمزد آنان؛
 - فرستادن کشتی‌های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی؛
 - طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی؛
 - تهدید اقتصادی ایران با تعطیلی شعب بانک انگلیس، خارج کردن سرمایه‌های شرکت نفت و تحریم خرید نفت.
- دولت دکتر مصدق برای مقابله با تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی انگلستان، برنامه اقتصاد بدون نفت را اجرا کرد. دکتر مصدق که خود حقوق‌دان بود، با حضور در مجامع بین‌المللی از حقانیت ملت ایران دفاع می‌کرد. دفاع منطقی و مستدل نخست‌وزیر و وکلای حقوقی ایران باعث شد که شورای امنیت سازمان ملل متحد و سپس دیوان بین‌المللی لاهه به سود کشور ما رأی صادر کنند.

فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

بخشی از سخنرانی دکتر مصدق در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد را بخوانید و ارزیابی خود را از آن بیان کنید. «آقای رئیس، آقایان اعضای محترم شورای امنیت، امروز من در این شورا حاضر شده تا صدای مردم ایران را در مقابل ادعاهای بی‌اساس دولت انگلستان به گوش شما و مردم جهان برسانم. هرچند ما این دعوا را به دلالی که بعد اقامه خواهیم کرد، در حدود صلاحیت شورای امنیت نمی‌دانیم اما نمی‌توانیم منکر شویم که سازمان ملل متحد آخرین مرجع و عالی‌ترین مقامی است که مسئول حفظ صلح دنیاست. . . . ملت ایران نیز از کشورهای بزرگ و از یک مؤسسه بین‌المللی جز این انتظار ندارد تا آن را کمک کنند تا بتواند استقلال اقتصادی خود را به دست آورده و در سایه آن رفاه اجتماعی خود را تأمین و به این وسیله استقلال خویش را تقویت کند. اگر دولتی مسئله‌ای را که در صلاحیت شورای امنیت نمی‌باشد در این شورا مطرح کند و شورای امنیت بنا به دلایل و جهات سیاسی تصمیم بگیرد که به آن مسئله رسیدگی کند، در این صورت شورای امنیت وسیله‌ای برای مداخله یک کشور در امور داخلی کشور دیگر خواهد شد و به این ترتیب، اعتماد مردم از آن سلب خواهد گردید و شورای امنیت از وظایفش، که حفظ صلح جهان می‌باشد، باز خواهد ماند» (اسناد سخن می‌گویند!، ج ۱، ۸۲۲).

دولت ایران پس از پیروزی در دادگاه لاهه، از انگلستان خواست که بدهی‌های شرکت نفت و خسارت‌های ناشی از تأخیر و غیره را بپردازد و چون دولت انگلیس این تقاضا را نپذیرفت، اقدام به قطع رابطه سیاسی با لندن کرد.

قیام ۳۰ تیر

در تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای کاستن از نفوذ و قدرت دربار و مقابله با کارشکنی‌های آن در اداره امور کشور، از محمدرضاشاه پهلوی خواست که اختیار وزارت جنگ و فرماندهی ارتش را به او بسپارد و چون شاه با این تقاضا مخالفت کرد، از مقام خود استعفا نمود. شاه نیز بی‌درنگ احمد قوام را مأمور تشکیل دولت کرد.

در پی این رویداد، آیت‌الله کاشانی ضمن مخالفت با نخست‌وزیری قوام، مردم را به مبارزه فراخواند و اعلام کرد: «اگر قوام کناره‌گیری نکند، اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت در پیکار شرکت می‌کنم». در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مردم به خیابان‌ها ریختند. نیروهای نظامی و انتظامی تظاهرکنندگان را سرکوب کردند و عده‌ای را به خاک و خون کشیدند، اما با ادامه تظاهرات و اعتراض نمایندگان طرفدار نهضت ملی در مجلس شورای ملی، شاه که موقعیت خود را در خطر می‌دید، به ناچار به استعفاءی قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق رضایت داد. دکتر مصدق دوباره نخست‌وزیر شد و وزارت جنگ و فرماندهی نیروهای مسلح را در اختیار گرفت. همچنین، شاه را از برقراری ارتباط مستقیم با سفرای خارجی منع کرد.

بروز اختلاف و تفرقه در نهضت

نهضت ملی شدن صنعت نفت با اتحاد و یکپارچگی احزاب و گروه‌های سیاسی و مذهبی مختلف بر محور مبارزه با استعمار انگلیس آغاز شد. با همدلی و یگانگی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، موانع داخلی و خارجی یکی پس از دیگری از سر راه برداشته شد و موفقیت‌های بزرگی به دست آمد اما پس از پیروزی قیام ۳۰ تیر، شرایط تغییر کرد؛ همکاری و اتحاد رهبران، شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های دست‌اندرکار نهضت بر اثر غلبه روحیه لجاجت، خودمحوری، قدرت‌طلبی و منفعت‌جویی‌های فردی و گروهی به تفرقه و دشمنی تبدیل شد. با گسترش اختلاف‌ها و نزاع‌های سیاسی میان شخصیت‌ها و گروه‌های ملی و مذهبی، منافع کشور و اهداف نهضت ملی شدن نفت به فراموشی سپرده شد.



مزار شهدای قیام ۳۰ تیر در گورستان ابن بابویه



صحنه‌ای از قیام مردم تهران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱

کاوش خارج از کلاس

با استفاده از منابعی که دبیر معرفی می‌کند، مجموعه حوادث و اقداماتی را که موجب تفرقه و چنددستگی در نهضت ملی شدن نفت در فاصله قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شد، فهرست و علل این اختلاف‌ها را استخراج کنید.

کودتای ۲۸ مرداد

دشمنان خارجی و عوامل داخلی آنان با بهره‌گیری از تداوم و گسترش اختلاف و نزاع میان دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و یاران و نزدیکان این دو شخصیت ملی و مذهبی، بر تلاش‌هایشان برای نابودی نهضت و سرنگونی دولت دکتر مصدق افزودند. در این زمان، دکتر مصدق امیدوار بود که دولت آمریکا در ماجرای نفت از ایران پشتیبانی کند اما آمریکا که از زمان جنگ جهانی دوم سیاست فعالی را درباره ایران در پیش گرفته بود، سرانجام از دولت انگلستان جانب‌داری کرد و با آن کشور در براندازی دولت مصدق متحد شد.

تحلیل یکی از مورخان معاصر دربارهٔ اتحاد آمریکا و انگلستان علیه نهضت ملی شدن نفت را بخوانید و نظر خود را دربارهٔ آن بیان کنید. «از نظر واشنگتن و همچنین لندن، کنترل ایرانی‌ها بر نفت احتمالاً پیامدهای درازمدت ویرانگری به همراه داشت. این امر صرفاً یک ضربهٔ مستقیم به منافع بریتانیا نبود. ممکن بود کنترل نفت را کاملاً در اختیار ایران قرار دهد. ممکن بود الهام‌بخش دیگر کشورها - به ویژه اندونزی، ونزوئلا و عراق - شود؛ به طوری که آنان نیز از این رویه پیروی کنند و در نتیجه، کنترل بازار بین‌المللی نفت از شرکت‌های نفت غربی به کشورهای تولیدکننده منتقل شود. همچنین، تهدیدی بالقوه برای شرکت‌های آمریکایی و سایر کشورهای غربی - و طبعاً دولت آمریکا و بریتانیا - بود» (آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ص ۲۱۸).



کودتاجیان در خیابان‌های تهران، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



شاه و سرلشکر زاهدی، فرمانده کودتاجیان

طراحی کودتای ۲۸ مرداد حاصل توافق آمریکا و انگلیس بود. پس از ملاقات‌ها و مذاکرات نمایندگان و مأموران انگلیسی و آمریکایی، آن دو کشور در اواخر سال ۱۳۳۱ دربارهٔ سرنگونی دولت مصدق و انتصاب سرلشکر فضل‌الله زاهدی به نخست‌وزیری به توافق رسیدند. براساس طرح مشترک انگلیس و آمریکا، ایجاد آشوب‌های خیابانی در ایران و به‌راه انداختن جنگ روانی علیه مصدق در مطبوعات در دستور کار شبکهٔ جاسوسی دو کشور قرار گرفت. علاوه بر آن، طراحان کودتا از طریق اشرف پهلوی و ژنرال نورمن شوارتسکف^۱ آمریکایی، محمدرضا پهلوی را که در ابتدا در پذیرش کودتا مردد بود، متقاعد کردند که با کودتا موافقت کند. با ورود مأمور ویژهٔ سیا^۲ به ایران در اواسط تیر ۱۳۳۲ و ملاقات او با فضل‌الله زاهدی، مقدمات اجرای کودتا فراهم شد. سرانجام، با نقشه و حمایت سیاسی و مالی دولت‌های انگلستان و آمریکا و عوامل داخلی آنان، در ۲۸ مرداد^۳ ۱۳۳۲ واحدهایی از ارتش به فرماندهی فضل‌الله زاهدی علیه دولت دکتر مصدق اقدام به کودتا کردند. کودتاجیان که از پشتیبانی سازماندهی شدهٔ گروه‌هایی از طرف داران شاه و دربار برخوردار بودند، مراکز مهم دولتی را در پایتخت تسخیر و دولت دکتر مصدق را سرنگون کردند. پس از موفقیت کودتا، زاهدی نخست‌وزیر شد و اعلام حکومت نظامی کرد. دکتر مصدق و تعدادی از همکاران و یاران نزدیکش

۱. Herbert Norman Schwarzkopf

۲. کریمت روزولت (Kermit Roosevelt)

۳. آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (C.I.A. - Central Intelligence Agency)

۴. مرحلهٔ اول کودتا در ۲۵ مرداد ناکام ماند و شاه به همراه همسرش، ثریا، به بغداد و سپس رم رفت. اما سه روز بعد، مرحلهٔ دوم کودتا به نتیجه رسید و شاه به ایران بازگشت.



دکتر سید حسین فاطمی، وزیر خارجه و یار نزدیک دکتر مصدق (ردیف جلو نفر وسط) در فرمانداری نظامی تهران، فاطمی چند ماه پس از کودتا دستگیر و پس از محاکمه تیرباران شد.

دستگیر و سپس محاکمه شدند. احزاب و گروه‌های سیاسی و روزنامه‌های مخالف، غیرقانونی اعلام شدند و منحل گردیدند. یک سال و اندی پس از کودتای ۲۸ مرداد، حکومت پهلوی با انگلستان و آمریکا درباره مسئله نفت به توافق رسید و به موجب قراردادی، تولید و فروش نفت ایران را به کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی انگلیسی، آمریکایی، هلندی و فرانسوی واگذار کرد. بر اساس این قرارداد مقرر شد که کنسرسیوم به مدت ۲۵ سال نفت ایران را استخراج کند و به فروش برساند و نیمی از سود خالص را برداشته و در مقابل، نیمی از سود خالص خود را به کشور ما بپردازد.

ادامه مبارزه پس از کودتا

با وجود جوّ سرکوب و اختناق پس از کودتا، گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی و از جمله تعدادی از استادان دانشگاه تشکلی به نام نهضت مقاومت ملی را پایه‌گذاری کردند و با قرارداد جدید نفتی به مخالفت برخاستند که منجر به اخراج شماری از آنان از دانشگاه شد. آیت‌الله کاشانی نیز به این قرارداد اعتراض کرد. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به برقراری روابط سیاسی مجدد با انگلستان و سفر معاون رئیس‌جمهور آمریکا (ریچارد نیکسون) به ایران تظاهرات کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان^۱ به شهادت رسیدند.^۲

پرسش‌های نمونه

۱. پس از شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه، چه تغییر و تحول سیاسی مهمی در کشور به وجود آمد؟
۲. علت و هدف از طرح سیاست موازنه منفی چه بود؟
۳. قرارداد الحاقی گس – گلشایان با چه هدفی به امضا رسید و سرانجام آن چه شد؟
۴. عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را توضیح دهید.
۵. دیدگاه و ارزیابی خود را درباره تأثیر و نقش عوامل داخلی و خارجی بر موفقیت کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق بیان کنید.

۱. مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی

۲. به مناسبت رشادت دانشجویان در مبارزه با استکبار، این روز «روز دانشجوی» نامگذاری شد.

انقلاب اسلامی

شرایط سیاسی - اجتماعی سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد که همراه با سرکوب مخالفان، نادیده گرفتن اصول قانون اساسی توسط محمدرضا شاه پهلوی و نفوذ و مداخله روزافزون آمریکا در ایران بود، زمینه‌های شکل‌گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام را فراهم آورد. این نهضت با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ادامه یافت. بازداشت و تبعید امام خمینی نیز نتوانست آن را از حرکت بازدارد و سرانجام منجر به انقلاب اسلامی و سقوط نظام شاهنشاهی در ایران شد. در این درس، علل و عوامل شکل‌گیری نهضت اسلامی از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

بحث و گفت‌وگو

چنان‌که می‌دانید، انقلاب اسلامی در کمتر از یک قرن پس از انقلاب مشروطه رخ داد. به نظر شما چه عواملی باعث به وجود آمدن دو انقلاب بی‌دری در این فاصله زمانی کوتاه در ایران شد؟

زمینه‌های سلطه آمریکا بر ایران

در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا اوایل دهه ۱۳۴۰، دولت آمریکا با وادار کردن حکومت پهلوی به اجرای برنامه‌های پیشنهادی خود، زمینه تسلط بر ایران و حفظ این حکومت را فراهم کرد و به ایجاد و تقویت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی اقدام کرد که موجب تشدید وابستگی و عقب‌ماندگی ایران شد.

پیوستن ایران به پیمان بغداد (سنتو)، تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، اعطای کمک‌های نظامی و مالی به ایران و اجرای بعضی اصلاحات در کشور ما، از جمله این برنامه‌ها بود. این برنامه‌ها، علاوه بر حفظ حکومت پهلوی و تداوم سلطه آمریکا، هدف مقابله با نفوذ شوروی در ایران را نیز دنبال می‌کردند.

نخستین مرحله برنامه‌های اصلاحی با عنوان اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰، در زمان نخست‌وزیری علی امینی آغاز شد.

بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

پیام کندی، رئیس جمهور، به کنگره آمریکا به نقل از روزنامه اطلاعات مورخ ۶ خرداد ۱۳۴۰ با عنوان: کندی، طرفدار انقلاب دموکراتیک

«... پیمان‌های نظامی نمی‌تواند به کشورهایی که بی‌عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی راه خرابکاری را در آنها باز کرده کمک نماید. آمریکا نمی‌تواند به مشکلات کشورهای کم‌رشد فقط از نظر نظامی توجه کند. این امر خاصه در مورد کشورهای کم‌توسعه که به میدان بزرگ مبارزه تبدیل شده‌اند، صادق است. ما می‌خواهیم در این کشورها امیدواری پدید آید. پیمان‌های نظامی نمی‌توانند به مللی که بی‌عدالتی اجتماعی و هرج و مرج اقتصادی مشوق قیام و رخنه و خرابکاری {در آنها} است، کمک کنند. ماهرانه‌ترین مبارزات ضدپارتیزانی نمی‌تواند در نقاطی که مردم محلی کاملاً گرفتار بینوایی هستند و به این جهت از پیشرفت خرابکار نگرانی ندارند، با موفقیت روبه‌رو گردد» (روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۲۰).

۱ آمریکا برای نفوذ در دیگر کشورها و پیشبرد اهداف خود از چه روش‌هایی استفاده می‌کرد؟

۲ به نظر شما اهداف آمریکا از اجرای برنامه‌های اصلاحی در دیگر کشورها چه بود؟

اصلاحات آمریکایی در ایران

تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

با رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، شاه فرصت را برای ادامه اصلاحات در ایران مناسب دید. رقابت شاه و علی امینی، نخست‌وزیر وقت، سرانجام به برکناری امینی انجامید و امیراسدالله علم، که مورد اعتماد شاه بود، نخست‌وزیر و مأمور اجرای اصلاحات شد. در آغاز، اصلاح قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دستور کار دولت علم قرار گرفت و با تصویب‌نامه هیئت دولت، تغییرات زیر در قانون انتخابات این انجمن‌ها ایجاد شد:

الف) برداشتن دو قید مسلمان بودن و مرد بودن از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان؛

ب) حذف قید سوگند خوردن به قرآن مجید و تبدیل آن به سوگند خوردن به کتاب آسمانی.

اصول شش‌گانه انقلاب سفید

در ادامه اجرای اصلاحات، شاه اصول شش‌گانه‌ای را با عنوان انقلاب سفید مطرح کرد و آن را به تصویب دولت رساند. این اصول با تبلیغات فراوان، در بهمن ۱۳۴۱ به همه‌پرسی گذاشته شد و مورد استقبال دولت‌های آمریکا، انگلستان و شوروی قرار گرفت. هرچند انقلاب سفید در ایران، شعارهای فریب‌دهنده‌ای مانند «بهبود وضعیت کشاورزی» داشت، اما در عمل، جسم نیمه‌جان اشتغال و زندگی روستایی ایران را نیز در معرض مرگ قرار داد.

آغاز مبارزه امام خمینی



امام خمینی، رهبر نهضت اسلامی

اعتراض به تصویب نامه انجمن‌ها و همه‌پرسی انقلاب سفید

اولین مرحله فعالیت سیاسی و مبارزه امام خمینی با اعتراض به تصویب نامه انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد. از دیدگاه حضرت امام، این تصویب‌نامه موجب تضعیف اسلام و افزایش حضور بهائیان در حکومت می‌شد.^۱ از این رو، ایشان پس از رایزنی با علمای بزرگ قم با آن به مخالفت پرداختند و دولت را مجبور به لغو آن کردند. پس از مطرح شدن انقلاب سفید و همه‌پرسی آن، امام خمینی و تعدادی از علما، نخست از شاه در این باره توضیح خواستند اما با بی‌اعتنایی و توهین او مواجه شدند.

پس با انتشار اعلامیه‌ای همه‌پرسی فرمایشی را غیرقانونی اعلام کردند. بیشتر مراجع دینی نیز به دعوت امام خمینی همه‌پرسی را تحریم کردند. در تهران و قم تظاهرات گسترده‌ای برپا شد و رژیم پهلوی با استفاده از نیروی نظامی، قیام مردم تهران و قم را سرکوب کرد.

فعالیت ۲

با راهنمایی دبیر خود، درباره اصول شش‌گانه انقلاب سفید گفت‌وگو کنید و به این پرسش پاسخ دهید: به نظر شما علت مخالفت امام خمینی با اصول انقلاب سفید و همه‌پرسی آن، چه بود؟



امام خمینی هنگام سخنرانی در مدرسه فیضیه، ۱۳۴۲

واقعه مدرسه فیضیه

امام خمینی به همراه مراجع دیگر، در اعتراض به عملکرد حکومت، عید نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند و به افشای اقدامات شاه پرداختند. اوج این حرکت اعتراضی در مدرسه فیضیه قم اتفاق افتاد که با یورش مأموران حکومتی به خشونت کشیده شد. در حمله مأموران

به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز تعدادی از طلاب شهید و مجروح شدند. به دنبال این جنایت، امام خمینی، در سخنرانی خود خطاب به شاه، او را به طور مستقیم سرزنش کردند و تقیه و سکوت در مقابل ظلم حکومت را حرام دانستند.

قیام پانزده خرداد

در آستانه محرم ۱۳۸۳ ق/ ۱۳۴۲ ش امام خمینی به سخنرانان مذهبی سفارش کردند که در مراسم مختلف، خطر اسرائیل را برای مردم توضیح دهند و آسیب‌های وارد شده بر جامعه اسلامی و مراکز دینی را بازگو کنند. در مقابل، حکومت هم سخنرانان مذهبی را ملزم کرد که علیه شاه و اسرائیل چیزی نگویند.

۱. به طوری که طبق اسناد لانه جاسوسی آمریکا، شاه شخصاً بهائی‌گری و ترویج آن را در ایران تصویب و تأیید کرد. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۷۵

برخلاف تصور و خواست حکومت، مردم در عاشورای این سال با سردادن شعارهایی، حمایت خود را از امام خمینی علنی ساختند. با وجود محدودیت‌های امنیتی، امام خمینی طی نطقی در عصر عاشورا در قم، شخص شاه را مخاطب قرار دادند و از تسلط آمریکا و اسرائیل بر حکومت پهلوی پرده برداشتند. این سخنرانی باعث خشم رژیم و دستگیری و انتقال امام به تهران شد. خبر دستگیری امام، مردم و روحانیون و مراجع را به واکنش واداشت. اعتراضات زیادی در شهرهای مختلف ایران برپا شد؛ مردم در قم، تهران و ورامین به خاک و خون کشیده شدند و به دنبال آن عده‌ای از مبارزان، زندانی، اعدام و یا تبعید شدند. نتایج قیام پانزده خرداد: قیام پانزده خرداد به رغم اینکه با سرکوب شدید حکومت پهلوی مواجه شد، نتایج مهمی داشت:



نمایی از تظاهرات مردم تهران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

هدف مبارزه تغییر کرد و سرنگونی رژیم پهلوی هدف نهایی مبارزان شد. حضور امام خمینی در صحنه مبارزه موجب شد بسیاری از روحانیون به مبارزات سیاسی روی بیاورند. علاوه بر روحانیون و دانشگاهیان، افشار دیگری از جامعه نیز به جمع مبارزان پیوستند. رهبری امام خمینی به عنوان مرجع دینی برجسته‌تر شد و مبارزان به نقش و قدرت مذهب در این زمینه توجه بیشتری نشان دادند.

مخالفت با کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی

امام خمینی در پی اعتراض مردم و علمای دینی، پس از تحمل ده ماه زندانی و حصر آزاد شدند. حضور دوباره ایشان در قم مبارزان را به ادامه مبارزه امیدوار کرد.

پس از آنکه دو مجلس سنا و شورای ملی، قانون مصونیت قضایی و سیاسی اتباع آمریکایی مقیم ایران (کاپیتولاسیون) را تصویب کردند، بار دیگر انتقاد از رژیم بالا گرفت. بر اساس توافق نامه بین المللی وین، مأموران سیاسی یک کشور در کشور دیگر از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردارند. با تصویب قانون کاپیتولاسیون، مستشاران نظامی آمریکا و خانواده‌های آنان نیز، در ایران از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردار شدند.

امام خمینی در سخنرانی پرشوری به تصویب این قانون اعتراض کردند و آن را مغایر با استقلال کشور خواندند (۴ آبان ۱۳۴۳). مخالفت صریح امام با قانون مذکور، حکومت پهلوی را چنان به وحشت انداخت که ایشان را در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ در قم دستگیر و به کشور ترکیه تبعید کرد. محل تبعید امام یازده ماه بعد تغییر یافت و ایشان از ترکیه به عراق فرستاده شدند.

وضعیت رژیم پهلوی

پس از تبعید امام خمینی و سرکوب شدید مخالفان، اوضاع سیاسی آرام‌تر شد. همچنین با افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی ایران در دوران طولانی نخست‌وزیری امیرعباس هویدا، حکومت پهلوی برای تقویت و تحکیم پایه‌های اقتدار خود به اقداماتی نمایشی دست زد. برگزاری جشن تاج‌گذاری و جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی، منحل کردن احزاب موجود و ایجاد حزبی واحد به نام حزب رستاخیز از جمله این اقدامات بود.

در زمینه فرهنگی نیز رژیم پهلوی کوشید، میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی تقابلی مصنوعی ایجاد کند. پیرو همین سیاست و به بهانه ناهمخوانی تاریخ هجری شمسی با فرهنگ ایرانی، تاریخ شاهنشاهی را جایگزین تقویم هجری شمسی کرد.



محمدرضا شاه پهلوی هنگام ملاقات با نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا



امیرعباس هویدا، هنگام معرفی اعضای کابینه خود به شاه

تداوم مبارزه

الف) فعالیت سیاسی؛ امام خمینی در طول دوران تبعید در نجف اشرف با صدور اعلامیه به مناسبت‌های مختلف و فرستادن پیام به سران و مردم کشورهای اسلامی و نیز با تدریس مباحث ولایت فقیه، مبانی حاکمیت دینی را ترسیم می‌کردند. در همین دوران، شاگردان و علاقه‌مندان به اندیشه ایشان، مساجد و دانشگاه‌ها را به کانون مبارزه علیه رژیم پهلوی تبدیل کرده بودند. جبهه ملی و نهضت آزادی نیز در چارچوب قانون اساسی به مبارزات خود ادامه می‌دادند.

ب) مبارزه فرهنگی؛ مبارزه فرهنگی با اتکا بر آگاهی دادن به مردم و تبلیغ و ترویج باورهای دینی به همراه روشنگری علیه اقدامات رژیم پهلوی صورت می‌گرفت. روحانیون، معلمان، استادان دانشگاه، دانشجویان و دانش‌آموزان در عرصه مبارزه فرهنگی با رژیم فعالیت می‌کردند و در مساجد، حسینیه‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها به ترویج فرهنگ دینی مشغول بودند. معروف‌ترین چهره‌های فرهنگی علامه طباطبایی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی، دکتر شریعتی، دکتر باهنر و دکتر مفتاح بودند.

پ) مبارزه مسلحانه؛ در کنار مبارزه سیاسی و فرهنگی، گروه‌هایی از جوانان به سوی مبارزه مسلحانه کشیده شدند. معروف‌ترین این گروه‌ها در این دوران عبارت بودند از:

- هیئت‌های مؤتلفه اسلامی؛ این گروه پس از تبعید امام خمینی، مبارزه مسلحانه و ترور سران حکومت پهلوی را، محور کار خود قرار داد و حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، را ترور کرد. این کار را محمد بخارایی، از اعضای این گروه، انجام داد. پس از این واقعه، بیشتر اعضای این گروه دستگیر و چهار تن از آنان اعدام شدند و برخی هم به حبس‌های طولانی محکوم گردیدند.
- حزب ملل اسلامی؛ این گروه با آرمان برپا کردن حکومت اسلامی به نبرد مسلحانه روی آورد، اما اعضای آن پیش از هر اقدامی دستگیر و زندانی شدند.

■ سازمان مجاهدین خلق؛ گروهی از جوانان عضو نهضت آزادی بعد از قیام ۱۵ خرداد فعالیت سیاسی را کنار گذاشتند و به جنگ مسلحانه روی آوردند. آنها در آغاز تفکر اسلامی داشتند، ولی به مرور زمان، دچار انحراف فکری شدند و به مارکسیسم تمایل پیدا کردند. در سال ۱۳۵۰ بیشتر اعضای این سازمان یا دستگیر شدند و یا در تسویه‌های درون‌گروهی از بین رفتند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق؛ این گروه از همان ابتدا با الهام از افکار مارکسیستی به مبارزه مسلحانه روی آوردند و تعدادی از آنها در درگیری با مأموران رژیم، یا در زندان، به قتل رسیدند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، چرا امام خمینی مبارزه مسلحانه را اساس حرکت خود قرار ندادند؟



شهید آیت‌الله سعیدی (۱۳۰۸-۱۳۴۹ ش)

بسیاری از مبارزان، زندانی و شکنجه شدند. تعدادی از آنان مانند آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری، زیر شکنجه به شهادت رسیدند و بسیاری نیز مانند آیت‌الله طالقانی تا اوج‌گیری انقلاب اسلامی در زندان بودند.

وضعیت عمومی ایران در سال ۱۳۵۶

فاصله روزافزون حکومت پهلوی از ملت ایران در سال ۱۳۵۶ به بیشترین حد خود رسید. ضدیت این حکومت با اسلام و معنویت و اخلاق، آشکار شده بود. صدها روحانی مبارز در زندان بودند و بسیاری از استادان دانشگاه و سخنرانان مذهبی اجازه سخن گفتن در محافل و مجالس را نداشتند. پول نفت که از سال ۱۳۵۰ یک باره به سرعت افزایش یافت، سرمایه‌داران وابسته به غرب و رژیم پهلوی را در مدت کوتاهی تقویت کرده بود.

در عوض، طبقات محروم از جمله کارگران و روستاییان برای گذراندن زندگی به شهرها هجوم می‌آوردند. انقلاب سفید شاه نتیجه خود را نشان داده بود: نابودی اقتصاد ایران و وابستگی به بیگانگان. در حالی که بسیاری از روستاهای ایران، راه، آب آشامیدنی، برق و حمام نداشتند، سرمایه‌داران آمریکایی با حکومت پهلوی قراردادهای کلان منعقد و ثروت ملی ایرانیان را غارت می‌کردند.^۱ رژیم پهلوی با استفاده از دستگاه ساواک و نیروهای پلیسی و امنیتی، تقریباً خود را از ناحیه گروه‌های مبارز مسلح، آسوده‌خاطر احساس می‌کرد. زندان‌ها از زندانیان سیاسی پر بود و در خارج از زندان نیز حرکت‌های پراکنده مسلحانه همچون سال‌های پیش دیده نمی‌شد.

فضای باز سیاسی

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا، در سال ۱۳۵۵ برای کاهش تنفر عمومی از سیاست‌های آمریکا به شعار دفاع از حقوق بشر متوسل شد. او از شاه نیز خواست به تبعیت از سیاست فضای باز آمریکایی، اوضاع عمومی زندانیان را بهبود بخشد، شکنجه زندانیان را کاهش دهد و به مطبوعات اجازه دهد به طور ملایم و محدود از دولت انتقاد کنند. شاه در پاسخ مساعد به خواسته‌های آمریکا، هویدا را برکنار و جمشید آموزگار را به نخست‌وزیری منصوب کرد. آموزگار مأموریت یافت تا با انتقاد از گذشته، در کشور فضای باز سیاسی ایجاد کند اما پیام‌های روشنگرانه امام خمینی و چند حادثه دیگر، آتش انقلاب را شعله‌ور کرد.

۱. سولیوان، سفیر وقت آمریکا در ایران (۱۳۵۷) در گزارش خود می‌نویسد: «بیش از ۱۵۵ شرکت و بانک، از بزرگ‌ترین شرکت‌ها و بانک‌های آمریکایی در کشور فعال هستند.» (اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۹)

موضوع گیری کندی و کارتر درباره دخالت آمریکا در کشورهای دیگر را مقایسه کنید و به پرسش زیر پاسخ دهید:
چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان سیاست مداخله‌گرایانه کندی و کارتر وجود دارد؟

مرگ مشکوک دو چهره محبوب

در خرداد ۱۳۵۶ دکتر علی شریعتی، به طور ناگهانی در لندن درگذشت. شریعتی با برگزاری سخنرانی‌ها و نگارش کتاب‌های متعدد، نقشی اساسی در طرد اندیشه‌های مارکسیستی و بیداری نسل جوان و گرایش آنان به اسلام داشت. مردم که ساواک را عامل مرگ او می‌دانستند، با گرامی داشتن نام و یادش تنفر خود را از حکومت نشان دادند.



دکتر علی شریعتی، متفکر نو اندیش مسلمان

وی در ۱۳۱۲ در خانواده‌ای اهل علم و دین در خراسان رضوی به دنیا آمد. او ابتدا به‌عنوان معلم به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. سپس به فرانسه رفت و مدرک دکتری خود را از آنجا گرفت. شریعتی از حدود نیمه دوم دهه چهل در مراکز مانند حسینیه ارشاد، مساجد و انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های بسیاری از دیگر شهرهای ایران، با سخنرانی‌های پرشور و نوشته‌های برانگیزاننده خود ابعاد اجتماعی و انقلابی اسلام

و به‌ویژه مذهب تشیع را به علاقه‌مندان معرفی می‌کرد. نوشته‌ها و سخنرانی‌های فراوان و بسیار مؤثر شریعتی در این دوره، بسیاری از جوانان را که جذب ایدئولوژی مارکسیسم و گروه‌های مبارز چپ شده بودند، به دامن اسلام و تشیع بازگرداند. به همین دلیل هم بارها دستگاه‌های امنیتی حکومت پهلوی او را بازداشت و از کار، بیکار کردند.

شریعتی سرانجام پس از یک دوره زندان و زندگی مخفی از ایران خارج شد. در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ به طرز مشکوکی در لندن وفات یافت و پیکر او در زینبیه دمشق به خاک سپرده شد.

شریعتی آثار زیادی در زمینه‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی دارد که شامل سخنرانی‌های او در حسینیه ارشاد، دانشگاه‌ها و سایر جاها است. از جمله آثار او می‌توان به مذهب علیه مذهب، فاطمه فاطمه است، ابوذر و اسلام‌شناسی اشاره کرد.

به فاصله چند ماه، حاج آقا مصطفی، فرزند ارشد امام خمینی، به طرز مشکوکی از دنیا رفت. درگذشت او، چنان تلاطم و موجی به وجود آورد و جان تازه‌ای به مبارزات بخشید که می‌توان فهمید چرا حضرت امام، رحلت او را «از الطاف خفیه الهی برای انقلاب اسلامی» خواند.



او از لحاظ ذهنی و استعداد علمی، جزء افراد کم نظیر بود و جرئت و جسارتش در مباحث علمی، در کتاب‌هایش قابل مشاهده است.

مصطفی خمینی از ابتدای مبارزات، یعنی ماجرای انجمن‌های ایالتی، حضوری کاملاً محسوس داشت و در نهضت پانزده خرداد نیز، مردم قم را به حرکت به سوی صحن حرم حضرت معصومه هدایت کرد که البته منجر به دستگیری وی توسط ساواک و زندانی در قزل قلعه شد. امام خمینی او را به جهت جامعیت، شجاعت، بی‌اعتنایی به زرق و برق دنیا و تهذیب نفس، امید آینده اسلام می‌دانست.

▶ آغاز انقلاب اسلامی

انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به امام خمینی

در ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله توهین آمیزی علیه امام خمینی در روزنامه اطلاعات منتشر شد. به دنبال انتشار این مقاله، مردم قم در ۱۹ دی ۱۳۵۶ قیام کردند، اما مأموران حکومتی آنها را به خاک و خون کشیدند. در چهارم شهدای قم، در ۲۹ بهمن همان سال، مردم تبریز به پا خاستند که این اجتماع نیز با یورش نیروهای حکومت مواجه شد و تعدادی شهید یا مجروح شدند. در سال ۱۳۵۷ اعتراضات به شهرهای دیگر گسترش یافت. پیام این قیام تجدید عهد با رهبری انقلاب و افزایش تنفر از رژیم شاهنشاهی بود. با گسترش قیام، جمشید آموزگار در مرداد ۱۳۵۷ در اصفهان حکومت نظامی برقرار کرد، اما این تدبیر ثمری نداشت؛ در نتیجه، شاه مجبور شد



حضور گسترده زنان در راه پیمایی‌های دوران انقلاب اسلامی

آموزگار را برکنار کند و جعفر شریف‌امامی را با شعار «آشتی ملی» به نخست وزیری بگمارد. امام خمینی با ارسال پیام و افشای نیرنگ تازه رژیم پهلوی، خواهان ادامه مبارزه تا سرنگونی نظام پادشاهی در ایران شدند. به همین جهت تظاهرات مردم در شهرهای ایران ادامه پیدا کرد. در تهران بعد از برگزاری نماز عید فطر (۱۳ شهریور) تظاهرات گسترده‌ای صورت گرفت و تکرار آن در سه روز بعد، با حضور انبوه و یکپارچه زنان همراه بود.

قیام خونین ۱۷ شهریور

حکومت پهلوی برای جلوگیری از ادامه تظاهرات و اعتراضات در روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و چند شهر دیگر حکومت نظامی برقرار کرد. مردم تهران بی‌اعتنا به اخطارها و هشدارهای رژیم در میدان شهدا (ژاله سابق) تجمع کردند. درخیمان پهلوی مردم را به گلوله بستند و جمع زیادی از آنان را به شهادت رساندند. به دنبال این جنایت هولناک، رئیس جمهور آمریکا بار دیگر به صراحت از رژیم پهلوی حمایت کرد.

هجرت امام خمینی به فرانسه

پس از اوج‌گیری انقلاب اسلامی، امام خمینی تحت فشار سیاسی و امنیتی سازمان امنیت عراق و ساواک، قصد عزیمت به کویت داشتند، اما دولت کویت حاضر به پذیرش ایشان نشد. از این رو به فرانسه رفتند و در دهکده‌ای به نام نوفل‌لوشاتو در حومه پاریس ساکن شدند (۱۴ مهر ۱۳۵۷).

اقامت چند ماهه امام در فرانسه دو نتیجه مهم برای انقلاب داشت:

- ایشان با استفاده از امکانات تبلیغی، مصاحبه و سخنرانی، جنایات حکومت پهلوی را افشا می‌کردند؛
- امکان ملاقات مبارزان با رهبری انقلاب فراهم آمد و پیام‌های امام با شتاب بیشتری در ایران منتشر شد.



حضرت امام خمینی در نوفل لوشاتو



تظاهرات مردم تهران در شهریور ۱۳۵۷

حماسه ماه محرم



راه پیمایی میلیونی مردم تهران در تاسوعای حسینی، ۱۹ آذر ۱۳۵۷

شاه پس از سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش آموزان در مقابل دانشگاه تهران (۱۳ آبان)، ارتشبد غلامرضا ازهاری را جانشین شریف امامی کرد، تا وی با برقرار کردن حکومت نظامی از سرعت حرکت انقلاب بکاهد. اما شروع ماه محرم، مبارزه را وارد مرحله تازه ای کرد. در روزهای تاسوعا و عاشورا میلیون ها تن از مردم در شهرهای مختلف، از جمله تهران، با شرکت در تظاهراتی مسالمت آمیز سقوط حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را فریاد زدند.



استقبال باشکوه از امام خمینی هنگام ورود به میهن در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷

این تظاهرات عظیم، دولت آمریکا را به این نتیجه رساند که روی کار آوردن دولت نظامی ازهاری نتیجه ای نداشته است؛ به علاوه، مردم ایران متحد و در اطاعت از رهبر خود مصمم و جدی هستند و بالاخره اینکه آمریکا برای حفظ منافع خود در ایران باید به فکر مهرة دیگری غیر از محمدرضا شاه باشد.

شاه در نیمه دی ۱۳۵۷ در حالی که تصمیم به خروج از ایران گرفته بود، به دستور آمریکایی ها و برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی، شاپور بختیار را، که قبلاً عضو جبهه ملی و از

مخالفان رژیم بود، نخست وزیر خود کرد. امام خمینی در ۲۳ دی با ارسال پیامی تشکیل شورای انقلاب را به اطلاع مردم رساندند. این شورا که از افراد شایسته، مسلمان، متعهد و مورد اعتماد ایشان تشکیل شده بود، وظیفه داشت زمینه انتقال قدرت را فراهم کند. ده روز پس از تشکیل دولت بختیار، در ۲۶ دی، شاه از ایران رفت و شور و شعف مردم ایران بیشتر شد.

ورود امام خمینی به ایران، تشکیل دولت موقت و پیروزی انقلاب

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ رهبر انقلاب با شکوه فراوان و در میان استقبال بی نظیر مردم وارد ایران شدند. در ۱۵ بهمن به پیشنهاد شورای انقلاب، مهندس مهدی بازرگان را به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت انقلابی معرفی، و از همه تقاضا کردند که از او حمایت کنند. امام خمینی در حکم خود، علاوه بر شرط «در نظر نگرفتن روابط حزبی و گروهی»، چند وظیفه برای دولت موقت تعیین کرد. مهندس بازرگان در بیست و پنجم بهمن ۱۳۵۷ کابینه خود را که تقریباً همگی از اعضا یا طرفداران نهضت آزادی و جبهه ملی بودند، معرفی کرد.

با حمله نیروهای گارد شاهنشاهی به افراد نیروی هوایی که به انقلاب پیوسته بودند (۲۰ بهمن)، تهران به شهری نظامی مبدل شد. حکومت پهلوی قصد داشت در بعد از ظهر ۲۱ بهمن و شب ۲۲ بهمن حکومت نظامی برقرار کند؛ سپس، به کمک نظامیان وابسته به خود و با نظارت ژنرال هایزر آمریکایی، کودتایی نظامی ترتیب دهد و رهبر انقلاب و اعضای شورای انقلاب را دستگیر و انقلاب را سرکوب کند، اما امام خمینی



تهران - ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

با توکل به الطاف خداوند، حکومت نظامی را غیرقانونی اعلام کردند. مردم به کمک ارتشسانی که به انقلاب پیوسته بودند، مراکز نظامی را در تهران و شهرهای بزرگ تصرف کردند. رادیو و تلویزیون نیز در اختیار مردم قرار گرفت و با اعلام صدای انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، زنگ سقوط نظام شاهنشاهی به صدا درآمد.

پرسش‌های نمونه

- ۱ تصویب‌نامه قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی، چه تغییراتی در انتخابات انجمن‌ها ایجاد کرد؟
- ۲ منظور از مبارزه فرهنگی چیست و چه گروه‌ها و شخصیت‌هایی، با حکومت پهلوی مبارزه فرهنگی می‌کردند؟
- ۳ برجسته‌ترین اقدام حکومت پهلوی برای اسلام‌زدایی چه بود؟
- ۴ چرا حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۶ مسئله فضای باز سیاسی را مطرح کرد؟
- ۵ چاپ مقاله توهین‌آمیز نسبت به امام خمینی در روزنامه اطلاعات چه پیامدی داشت؟
- ۶ ادامه مبارزه مردم با حکومت پهلوی در روزهای تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷، آمریکا را به چه نتایجی رساند؟